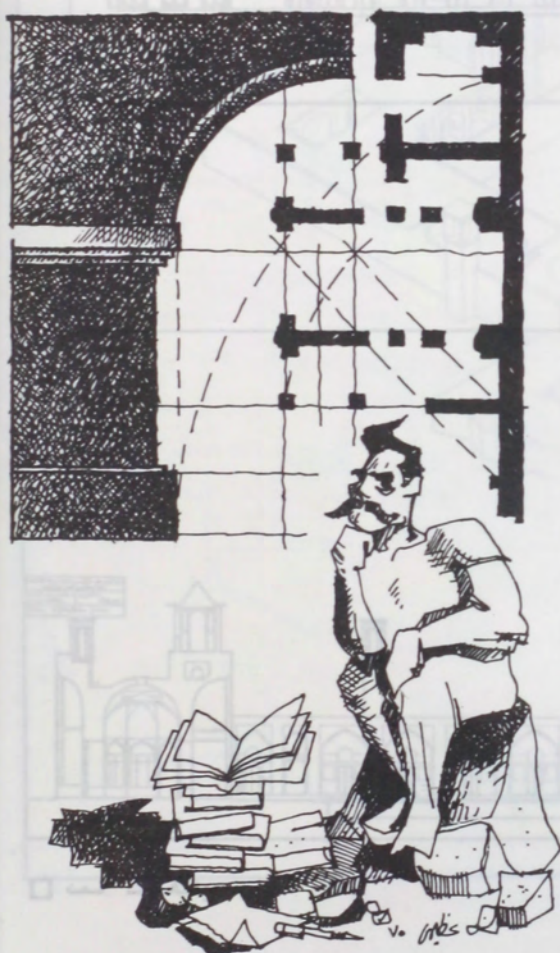


اثر دانشجو

چگونه طراحی می‌کنم

دکتر محمود رازجویان

مسعود تهرانچی



نشریه صفه در نظر دارد که زیر پوشش این عنوان ، فضای مناسبی جهت ارائه آثار با ارزش دانشجویی ، اعم از پروژه و مقاله ، باز کند . با استفاده از این فرصت ، در این نشریه نوشته آقای مسعود تهرانچی همراه با گزارشی کوتاه از دکتر محمود رازجویان ارائه شده است .

جمع‌بندی شک کنند و این موضوع را با مسئول درس در میان بگذارند تا به کمک یکدیگر فرضیه مناسب از دل گزاره‌های مقاله تهیه شده استخراج کنند و عملاً "با موضوع" فرضیه سازی "آشنا شوند".

● ب) تداوم یک تحقیق دراز مدت

از بدو تدریس در دانشکده معماری همواره سئوالاتی در مورد توان و طرز کار دانشجویان دانشکده‌های معماری برای نگارنده مطرح و پیوسته سعی شده است که در حد مقدورات خود اطلاعاتی از مسیرهای مختلف برای پاسخ به سئوالات مطرح شده جمع آوری گردد .

عمده این سئوالات به شرح زیر بوده است :

۱) آیا دانشجویان دانشکده معماری (کارشناسی ارشد) روال مناسبی برای طراحی معماری بر می‌گزینند؟

● الف

شرکت دانشجو در یک تمرین کلاسی

به تجربه ثابت شده است که یکی از مباحث سهل و مستمع درس روش تحقیق مبحث " فرضیه و فرضیه سازی " است . چرا که دانشجویان به ظاهر مفهوم فرضیه " یعنی عبارتی نظری ارائه شده براساس مشاهدات علمی ، کشف و شهود و یا حدسیات منطقی ... (۱) " را درک نمیکنند ولی در ارائه فرضیه مناسب کار عملی غالباً " موفق نیستند . برای رفع اشکال ، در این تمرین از برخی از داوطلبان خواسته شد که به فرایند " سیر از سوال به جواب " در طرح های ارائه شده به کارگاه های متعدد معماری توجه کرده ، از یادداشت های خود درین مورد جمعبندی به عمل آورند . آنگاه در قابلیت تعمیم یافته های خود و یا بحث گزاره های حکمی موجود در آن

عنوان بالا متعلق به یکی از تمرینات درس روش تحقیق است که نتیجه آن به صورت مقاله‌ای متناسب با یک درس دو واحدی در آخر ترم تحویل کلاس می‌گردد. برای انجام این تمرین از دانشجویانی که به زعم خود از حافظه قوی برخوردار بوده و از قدرت طراحی خود رضایت خاطر داشته‌اند خواسته شده است که به گذشته خود رجوع کرده و مسیر طراحی معماری را از لحظه دریافت عنوان طرح تا مرحله ارائه آن یادداشت کنند. این کار را در مورد یکایک طرح‌های معماری، از یک تا پنج انجام دهند و در نهایت از مقایسه یادداشت‌های تهیه شده، شیوه طراحی خود را تعریف نمایند. برای این تمرین، دو هدف متصور بوده است:

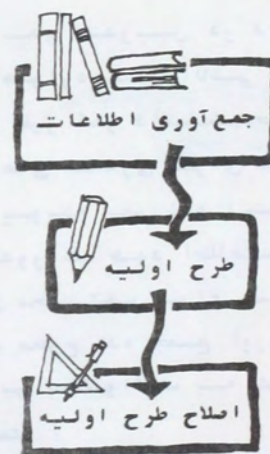
الف) شرکت دانشجو در یک تمرین کلاسی.

(ب) تداوم یک تحقیق دراز مدت .

۲) چگونه دانشجویان ، عنوان کلامی پروژه را به تصویر معمارانه تبدیل می‌کنند ؟

۳) در مسیر فرایند طراحی ، چه عوامل محیطی در بارور شدن و یا عقیم شدن ذهن موثر هستند ؟

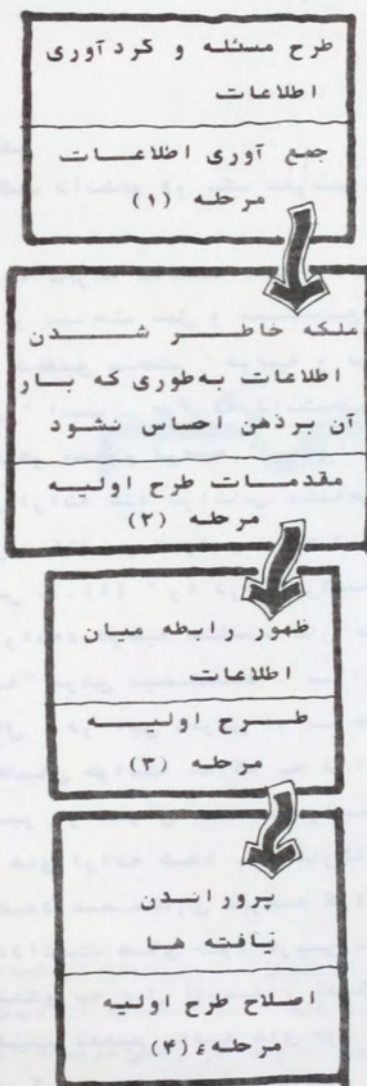
برای پاسخ به سئوالات بالا تاکنون تعداد زیادی از دانشجویان درس روش تحقیق تشویق به انجام این مطالعه شده‌اند که از میان آنان فقط مقاله ده نفر را متناسب برای نتیجه گیری مقدماتی می‌توان پذیرفت . سایر شرکت کنندگان یا موضوع تمرین را به خوبی درک نکرده و یا کار را به پایان نرسانده‌اند . نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که در رابطه با سؤال اول غالب دانشجویان فرایند ارائه شده در تصویر (۱) را بیانگر شیوه طراحی خود می‌دانند .



تصویر ۱

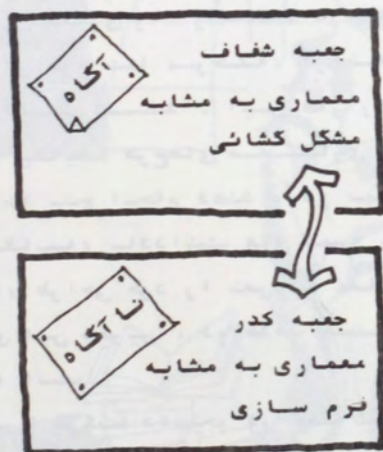
ضمناً " تعدادی از دانشجویان در مورد توجه به ابعاد متنوع معماری در مرحله: طرح اولیه تاکید می‌کنند . از مقایسه تصویر (۱) با نمودار فرایند خلاقیت (تصویر ۲) چنین بر می‌آید که :

تصویر ۲



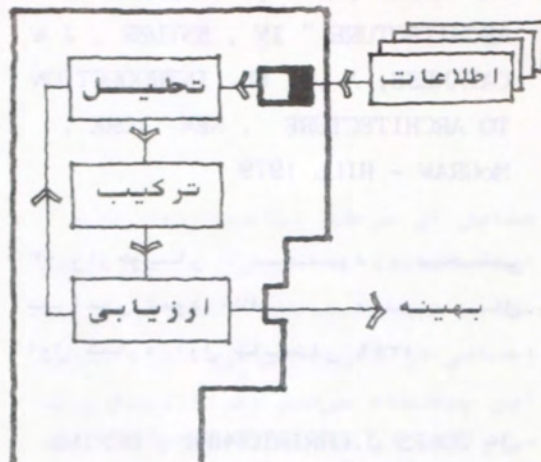
تصویر ۳

غالب دانشجویان از فعالیت ذهن در مرحله قبل از پیدایش طرح اولیه خبری نمی‌دهند و فقط تعداد کمی با بازگو کردن رفتار خود در مرحله پیدایش طرح اولیه اشاره به وجود این مرحله داشته‌اند . برای مثال دانشجویی از پشت میز نشستن و خط کشیدن مستمر (از شروع بی معنی تا پایان معنی دار) و یا دیگری از قدم زدن روی بام ، (یعنی تجربه‌ای غیر از تجربیات عادی روزمره) ، برای دریافت جرقه‌های ذهنی در جهت حل مشکل طراحی صحبت می‌کنند . به طور کلی چنین استنباط می‌شود که مسیر مرحله (۱) به مرحله (۳) نه کاملاً آگاه و نه کاملاً " ناآگاه " طی می‌گردد . به طوری که جای آن در روی محوری متشکل از دو قطب بالا نزدیک به تصویر (۳) است .



ممانظور که در تصویر آمده است برای کویاتر شدن مقصود قطب " ناآگاه " با مفهوم " جعبه کدر " یا " معماری به مثابه فرم سازی " و قطب " آگاه " با " جعبه شفاف " و یا " معماری به مثابه مشکل کشایی " مترادف شده است . " جعبه کدر " اشاره به این مفهوم دارد که انسان در اثر ممارست ، قادر به انجام کار پیش بینی شده بدون آگاهی از چگونگی کار کرد ذهن است (۳) . این مفهوم خود همساز با مفهوم معماری به مثابه " فرم سازی " است که در کار معماران بزرگ چون لوکوربوزیه ، فرانک لویدرایت ، میس و ندرروهه ممداق می یابد . هنوز هم در برخی از مدارس معماری سعی می شود که ، با آموزش اصول طراحی این معماران ، نبوغ نهفته دانشجویان کشف و بارور شود . " جعبه شفاف " ، برعکس اشاره به این مفهوم دارد که انسان از فرایند اخذ اطلاعات از محیط تا مراحل ارائه عکس العمل های مناسب را به خوبی می شناسد . در این مسیر ، طبق تصویر ۴ ، اطلاعات اخذ شده از مراحل تحلیل ، ترکیب و ارزیابی می گذرد و به " بیرون ده بهینه " ختم می شود .

مفهوم " جعبه شفاف " با مفهوم " معماری به مثابه مشکل کشایی " سنخیت دارد . بهترین ممداق این مفهوم در کتاب " یادداشتی بر ترکیب فرم " (۴) اثر الکساندر



تصویر ۴

آمده است . نکات کلیدی در دیدگاه الکساندر ، مفاهیم " اتم گونگی " و " همسازی " (۵) هستند . از نظر الکساندر ، همانطور که هر ماده در دنیا از ذرات بسیار کوچک غیرقابل تفکیک به نام اتم ساخته شده است ، هر مسئله طراحی را میتوان با روشی منظم و علمی ، به ساده ترین و کوچکترین جزء پایه تقسیم کرد . به طوری که مجموعه های غیر مشترک حاصل گردد و سپس از " بررسی همسازی " در میان این اجزا کوچک پایه ، به طراحی معماری دست یافت (۶) .

از مطالعه مقاله ها چنین برمی آید که شیوه غالب آموزش معماری در دانشکده یقیناً به صورت

" جعبه کدر " نیست ولی از سوی دیگر روش منظم و علمی مشابه روش الکساندر نیز اعمال نمیشود .

در مورد سؤال دوم ، متأسفانه غالب دانشجویان اطلاعاتی در اختیار نمی گذارند و فقط تعداد اندکی به تطابق فرم با عملکرد یا گزینش " طرح ذهنی " متناسب با موضوع طراحی اشاره دارند .

در مورد سؤال سوم ، از محتوای مقاله ها چنین برمی آید که گفتگوها و عکس العمل های استادان کارگاه در طراحی دانشجویان نقش تعیین کننده دارد . متأسفانه تعدادی از دانشجویان هم در مواردی راهنمایی های استاد را عامل ترمز کننده در " بیرون ریختن ذهن " دانسته اند .

در خاتمه همانگونه که به نگارنده مکرراً یاد آوری شده است ، جمع بندی این نوع مقالات نمیتواند ارزش محتوایی یکایک مقالات را در برگیرد . چرا که هر مقاله به گونه ای تازه و بدیع دریچه ای به دنیای درونی جوانان این مرز و بوم می کشاید که بیان مشترکات آنها جز با حذف اطلاعات ارزشمند مقدور نیست .

از سوی دیگر ارائه همه مقالات جهت تأمین رضایت خاطر دست اندرکاران آموزش معماری مقدور نیست و فقط باید به ارائه چند نمونه خاص بسنده کرد . مقاله حاضر از جنبه این نمونه هاست . اگر چه

● چگونه طراحی می‌کنم

تمرین درس روش تحقیق

محمود تهرانی .

تابستان سال : ۱۳۶۸

هنگامی که این سوژه را با ترغیب استاد درس روش تحقیق به عنوان پروژه تحقیق انتخاب می‌کردم در فکر این بود که با موضوع نازلی روبرو هستم که پرداختن به آن چند ساعتی بیشتر زمان می‌برد و طبیعتاً بهره دمی محدودی هم دارد . زیرا فکر می‌کردم که روش طراحی هر فردی ، بخصوص دانشجویی که شخصاً بر نقایص و کمبودهای شیوه خویش واقف است و می‌داند که این شیوه بر پایه‌ای استوار و روش انتخاب شده‌ای قرار ندارد ناشی از سیر تجارب ، محیط ، اساتید و القائات غیر مستقیم است . به همین خاطر این روش نمی‌توانست به عنوان یک شیوه مطرح شده و مستقلاً مورد بررسی قرار گیرد . لذا در مورد بهره و نتیجه کار دچار شک بودم تا اینکه برایم مشخص گردید که فایده عملی تدوین یک چنین متونی هنگامی مشخص می‌شود که از این گونه مطالب تعداد زیادی توسط دانشجویانی که سبک ها و روش‌های گوناگون اساتید را دیده و محیط‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند تهیه گردد . آنگاه که این روش‌ها به رشته تحریر در

حاشیه □

1- COHEN , V. & VAN RYZIN , L. , " RESEARCH IN ARCHITECTURE " IN , SNYDER , J & CATANESE, A ,J. ED. INTRODUCTION TO ARCHITECTURE , NEW YORK , McGRAW - HILL 1979

۲- رازجویان ، محمود ، بحثی پیرامون نمود خلاقیت . صفه ، سال اول شماره اول تابستان ۱۳۶۹

3- JONES J. CHRISTOPHER , DESIGN METHODS, LONDON; WILEY. INTERSCINTE 1974

4- ALEXANDER, CHRISTOPHER , NOTES ON THE SYNTHESIS OF FORM, CAMBRIDGE HARVARD PRESS , 1964

5- SNYDER, J.C. & CATANESE, A, J., INTRODUCTION TO ARCHITECTURE , NEW YORK : McGRAW-WILL 1979

6- ALEXANDER, CHRISTOPHER, NOTES ON THE SYNTHESIS OF FORM, CAMBRIDGE, HARVARD PRESS, 1964

در تهیه این مقاله مسیر تحقیقاتی تعیین شده طی نشده است و از این جهت به کار تحقیق مستمر نگارنده نمی‌آید ولی از آنجا که حاوی نکات ظریف در زمینه ارتباط استاد و دانشجو است مطالعه آن خالی از فایده نخواهد بود .

محمود رازجویان

ملاحظات □

مطالعه کتابهای زیر جهت اشراف به موضوع طراحی توصیه می‌شود :

1- ALEXANDER, CHRISTOPHER, NOTES ON THE SYNTHESIS OF FORM, CAMBRIDGE; HARVARD PRESS, 1964

2- BROADBENT, GEOFFREY; DESIGN IN ARCHITECTURE, LONDON, JOHN WILEY & SONS , 1973

3- JONES J. CHRISTOPHER , DESIGN METHODS , LONDON ; WILEY , INTERSCINTE 1974

4- ROWE P.G. DESIGN THINKING , CAMBRIDGE, MASSACHUSETTS THE MIT PRESS, 1987

5- LANG JON , CREATING ARCHITECTURAL THEORY, NEW YORK : VAN NOSTRAND REINHOLD COMPANY INC 1987

آیند و با هم مقایسه شوند احتمالا می‌توانند نتایج سودمندی در بر داشته باشند بنابراین این تهیه یک چنین متونی به نوبه خود مقدمه‌ای است برای کارهای عمیق‌تر ، ضروری و سودمند . برای تهیه این مطلب مدت‌های طولانی فکر کرده و در طول ترم و بعد از آن ذهن خود را مشغول تهیه مقدمات این نوشته نموده‌ام . گاه در طول یک کار طراحی ، به گام‌هایی که طی کرده‌ام ، نکات ظریف ، بن‌بست‌ها و گشایش‌هایش که برایم پیش آمده بود دقیق می‌شدم . در این بادی تلاش می‌کردم تا مسیر را که بارها و بارها با آگاهی و یا در بعضی مراحل ، ناخودآگاهانه پیبوده‌ام را بازشناخته ، مراحل و منازلش را مشخص کنم . اما اکنون که به نوشتن متن مورد نظر می‌پردازم ، می‌بینم که نسبت به بسیاری از ظرایف که در طول کار به آن دقت داشته‌ام و آنها را بازشناسی کرده‌ام ، حضور ذهنی کافی ندارم . یعنی به نظر من ، فرد در هر مرحله‌ای که قرار می‌گیرد در صورت تلاش می‌تواند نسبت به نکات و

مسائل آن مرحله شناخت پیدا کند . اما بلافاصله با حضور در مرحله بعد ، تنها کلیات ، آنهم به صورت اجمالی در ذهن باقی می‌ماند . بنابراین این پیشنهاد می‌کنم افراد دیگری که می‌خواهند در تهیه مقدمات این تحقیق ، با نوشتن روش طراحی خویش ، سهم شوند برای راحت‌تر شدن کارشان یک کار طراحی را که در همان ترم یا به صورت دیگر به آنان ارجاع شده است را در نظر بگیرند و مرحله به مرحله از شروع تا ختم طراحی (که ممکن است حتی تا بعد از تحویل کار تداوم یابد) را یادداشت برداری کرده و متن نهائی خویش را براساس یادداشت‌های برداشت شده منظم کنند . حسن این چنین کار در استقرار ظرایف و نکات هر مرحله به جای خویش بوده که در نهایت موجب می‌گردد متن نهائی فدای کلیت کار نشود . به هر حال فکر می‌کنم که " من چگونه طراحی می‌کنم " مطلب سهل و مستعفی است که تا فرد مشخصا با آن درگیر نشود و اقدام به تهیه متن مدونی راجع به آن نکند مسائل و ظرایف آن

برایش ناشناخته خواهد ماند . با این مقدمه که جایگاه متن تهیه شده در کار تحقیقی ، روش تهیه آن و نقایص و پیشنهادات منتج از آنرا به صورت خلاصه در آورده‌ام به موضوع اصلی می‌پردازم .

اصولا روش کار مشخص من این است که با دریافت موضوع طراحی و مشخصات اولیه محوطه آن (سایت) و غیره از سه طریق بعفوا موازی ، اقدام به شناسائی می‌کنم .

الف : شناخت کامل و کافی راجع به خواسته‌های صاحب کاران طرح راجع به اینکه صاحب کار چه نظریاتی در مورد کار دارد چه انتظاراتی از آن دارد چگونه به آن می‌نگرد و در نهایت متوقع چه نوع کاری است .

ب : شناخت کامل نسبت به بشر طرح : در این مرحله ضمن بازدید ، اقدام به شناسائی دقیق محل و بشر کار مورد نظر می‌نمایم . سپس با تهیه کروکی محل ، نقشه محوطه (سایت) ، شیت بندی محلات اطراف ، نوع ممکن و سطح زندگی مردم در آن محل به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و ... تلاش می‌کنم تا جو کار و

استلزامات محیطی را بازشناسم .

ج : شناخت کامل نسبت به موضوع طرح : اینکه موضوع طرح چیست ، چه نیازها و امکاناتی را در بطن خود دارد و چگونه می‌توان به نیازهای کار پاسخ داد و امکاناتش را به فعلیت رساند . در این مرحله از کار ، بادیدن نمونه کارهای ساخته از نوع موضوع کار و یا حتی غیر آن ، به صورت زنده یا در مجلات و کتاب ها و نیز دیدن کارهای سنتی یا موفق و نیمه موفق و حتی ناموفق از آن دست و مراجعه به افراد صاحب نظر و تکرار و کامل کردن تصاویر ذهنی موجود در ذهن خود به یک جمع بندی می‌رسد .

در این مرحله که نمی‌توان گفت حتماً بعد از اتمام مرحله قبل اتفاق می‌افتد یک تصویر ذهنی کلی راجع به بنا و طرح در ذهنم پدیدار می‌شود . به گمان خودم این طرح ، براساس برداشت های مشخص ، اصول زیباشناسی مشخص ، ایده‌ها و کمال مطلوب های مشخص و حتی آرمان ها و گرایشات مذهبی (از قبیل میل به نشان دادن چیز بخصوصی در کار) انبار شده در ذهن من و مستکی بر

نیازها و امکانات خود طرح ، نظر صاحب کار و مقدورات سایت یکی از الگوهای موجود ذهنی من انتخاب می‌گردد (یعنی نه اینکه من آنرا انتخاب می‌کنم ، بلکه اغلب به صورت غیر ارادی و بعضاً هم یکباره در ذهنم شروع به روشن شدن و چشمک زدن می‌کند) .

در مرحله بعد آگاهانه ذهن من شروع به حک و اصلاح این ایده اولیه و تطابق کامل آن با محدوده‌ها و چارچوب کلی خواسته‌ها ، و نیازها و نظریات صاحب کار (استاد راهنما) و ... می‌کند . از این زمان است که ذهن من روی یک ایده بسته می‌شود و بعضاً تصور می‌کنم که این تنها یا بهترین راه حل موضوع است و شروع می‌شود به اینکه از آن خوشم بیاید و هر زمان بیشتر به آن دلستکی پیدا می‌کنم . البته گاهی این راه حل خود شامل دو سه راه حل نزدیک به هم ، مکمل و یا مشابه است که انتخاب میان آنها را (به دلیل تساوی یا تشابه در ذهن خویش) به صاحب کار یا استاد یا دوست همفکر و ... واگذار می‌کنم از این مرحله به بعد ، نسبت به طرح و ایده‌های آن نوعی

تعبص و علاقه مستمر یافته و به نحو ذهنی شروع به کامل کردن طرح می‌نمایم . گاه در عالم خیال و با چشمان بسته تا جزئی ترین مسائل طرح را می‌بینم و به نوعی تصویر روشن از مسایل جزئی آن می‌دم (این مسایل جزئی که می‌گویم شامل مسایلی شبیه به نوع پله‌ها ، کف ها ، رنگ مصالح ، فرم گیاهان در فصول مختلف ، نوع نورپردازی مصنوعی ، بازو درها و پنجره‌ها و نورهای طبیعی غیر مستقیم و ...) می‌شود . بسیار اتفاق می‌افتد که در این مرحله با استاد راهنما درگیر می‌شوم ، او اشاره به مسایل عمده‌ای می‌کند که طرح باید جوابگو باشد و من به دلیل تعصب ذهنی نسبت به مظلوق مورد علاقه‌ام آنها را فرعی دیده و غیر قابل پاسخگویی می‌دانم . معمولاً از این چنین بن بست ذهنی هنگامی رهایی می‌یابم که کاردیگری با اصول کاملاً مغایر با کار خویش ببینم و آنها را بهتر و برتر از کار اولیه خود ببینم و یا اینکه استاد خطی بکشد و یا خطی بدهد و یا بن بست شکنی بکند تا افق‌های تازه‌ای از کار یا طرح را فرا روی

خود ببینم . یعنی کاملاً واقف شوم

که این طرح می‌تواند بسیار بهتر باشد و پاسخگوئی مسائل بیشتری بگردد . ذکر این نکته هم بدنیست که وقتی ذهنیتم راجع به کاری شکست ، حرکت بعدی آن معمولاً به سمت طرح شکانده بن بست نیست بلکه به سمت دلخواه دیگری حرکت می‌کند . در این مرحله به نکته را باید متذکر شوم :

۱- آنکه در تشخیص کار بهتر و کاملتر و شناخت ظرایف نهفته در کار ، اصلاً تعصبی ندارم و با دیدن هر کار بهتر دیگری نکات برجسته آنرا متوجه می‌شوم و برای آن ارزش قائلم . یعنی یک دید بدون تعصب در مقایسه کار خود با دیگر کارها ، مثل یک ناظر یا داور بیطرف .

۲- آنکه این کار مقایسه‌ای ممکن است از مصادیق ساخته شده سنتی و یا مدارک موجود در مجلات و کتاب‌ها و غیره و یا کاری باشد نسبتاً مشابه موضوع کار و یا اصلاً در زمینه کاملاً مجزائی قرار داشته که حاوی اصول و نکات خاصی برای مقایسه در خور را دارا باشد .

۳- خط کشیده یا سفارش شده توسط

استاد ، به صرف اینکه کار استاد است برایم ارزشمند نیست بلکه ارزش آن مدیون کشف ظرایف و نکات بدیع و نوآوری نهفته در آن است . در غیر این صورت آنرا کنار گذاشته و به مسیر خود می‌روم .

در این مرحله پس از شکسته شدن ذهنیت قبلی ، یکباره ایده یا ایده‌های بدیع دیگری در ذهنم پدیدار می‌شود و دوباره مراحل مشابه مراحل قبلی را طی می‌کنم . با این تفاوت که این بار نسبت به کار تعصب کمتری دارم و نیز دید وسیعتر و کاملتری برای انتخاب به دست آورده‌ام . ذکر این نکته هم جالب است که هر بار کمتر وارد جزئیات می‌شوم و هنگامی که به طرح نهائی می‌رسم جزئیات ویژه‌ای از آنرا در ذهن ندارم و تنها کلیات آن برایم مشخص است و جزئیات آن بیشتر همان جزئیات تصور شده مراحل قبلی است که به کنار هم چسبانیده شده‌اند . حال آنکه همین جزئیات می‌توانند حال و هوای طرح را دیگر گونه کرده و به آن روحی نو و تازه بدمند .

مشکل ترین قسمت کار برایم ارائه

کار به نحوی است که برای دیگران هم طرح به همان اندازه قابل فهم شود که برای خودم هست . سوای تبدیلی و کندی کلی کار من ، مطلب مهم دیگری هم در این کار دخیل است : یعنی در ذهن من بعد از گذشتن از مراحل چند و فعل و انفعالات ذهنی ، طرح به یکباره متولد می‌شود و پس از آن تغییرات اندکی صورت می‌گیرد و به بلوغ خود (از نظر شخصی خودم) می‌رسد . یعنی تلاشی که برای رشد آن بعد از تولد باید اتفاق بیافتد ، در مرحله قبل از تولد مصروف تولد یک طرح رشد یافته می‌گردد . بعد از این مرحله تلاش اندکی مصروف رشد و ارائه طرح می‌نمایم ، یعنی همین اندازه که طرح ، خودم را راضی می‌کند برایم کافی است و بیشتر دلم می‌خواهد حال و هوای قسمت های مختلف کار را توضیح بدهم تا آنرا در نقشه‌های کلیشه‌ای قالب بزنم .

اکثر بناهای با عملکرد عمومی در بافت های تاریخی ، فرهنگی و قدیمی کشورمان از میان رفته و حتی متاسفانه نام آنها نیز به تدریج در یادها فراموش شده اند . مسجد ، حسینیه ، حمام ، تکیه ، آب انبار ، کاروانسرا و چند بنای معدود دیگر ، تنها بازماندگان این آثار به شمار می روند . حتی برای دانشجویان رشته معماری نیز ، نام بسیاری از این بناها ناآشناست ، گویی وجود نداشته اند . این نوشتار در نخستین گام می‌کوشد ، حداقل در یک مجموعه ، نام بناهای با عملکرد عمومی در بافت های قدیمی (حتی به صورت ناقص) را ارائه دهد . این اقدام ، جدا از جنبه ضبط مآثر فرهنگی ، نه تنها بیانگر فهرست نسبتاً جامعی از این گونه بناها به شمار می رود ، بلکه به نوبه خود جهت شناخت نام بناها ، مددیار علاقمندان و دانشجویان در مطالعه متون قدیمی ، اسناد تاریخی ، وقف نامه ها ، اسناد بینه و است .

ناگفته نماند که یک نظر اجمالی به این فهرستواره ، در بادی امر نشان می‌دهد که بناهای مذکور علاوه بر ایفای نقش و عملکرد عمومی در جهت رفع نیازهای عاجل ساکنین مجتمع های زیستی ، دارای دو وجه متمایز هستند :

۱- ارائه خدمات رایگان به مردم فاقد تمکن مالی .

۲- ارائه خدمات رایگان به مسافران (ابن السبیل) .

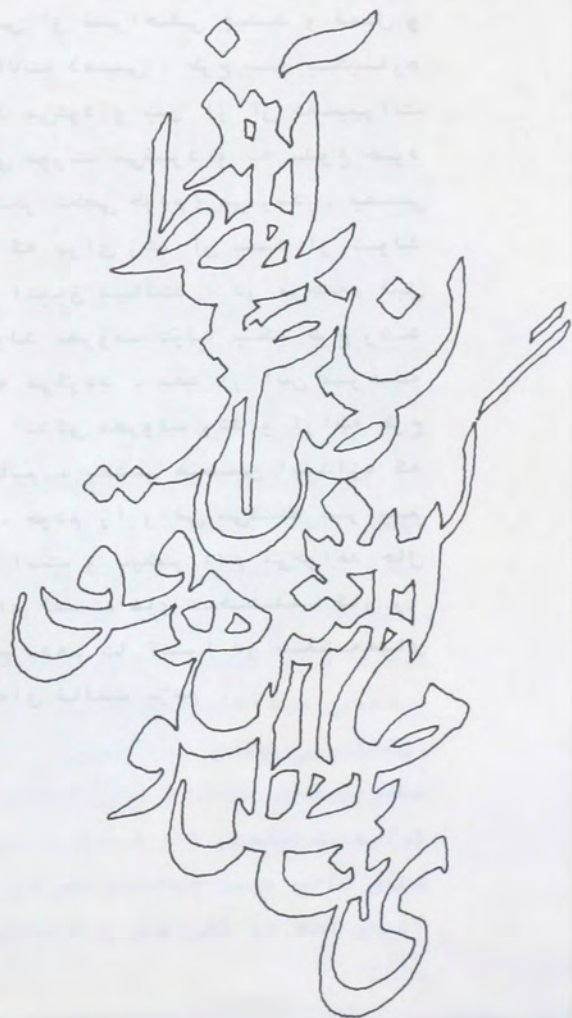
متاسفانه مجتمع های زیستی امروزی از این دو جهت در ضعف فراوان بسر می‌برند که بررسی علل این امر نیاز به نگارش مقاله ای جداگانه دارد .

فهرستواره نام بناهای

بهرام قدیری

تدریج فهرستی را فراهم آورد . اذعان کامل دارد که این نخستین گام با کاستی های فراوان روبروست . با این حال ، امید فراوان دارد با ارشاد اصحاب فن ، این فهرست کامل گردد . بدیهی است بیان تصویری و ذکر جزو فضاها در مورد هر یک از این بناها ، کاری مستقل و فراخور صرف زمان است که با تحقق آن ، باامال مقدمات تهیه فرهنگ معماری

تاکنون فهرست جامعی از مجموعه بناهای متنوعی که در بافت های تاریخی مجتمع های زیستی ایران وجود داشته ، تدوین و ارائه نگردیده است . غنا و فراوانی این بناها ، نگارنده را واداشت تا براساس مطالعه منابع متعدد جغرافیای تاریخی ، سفرنامه ها ، لغت نامه ها و کتب تخصصی که در مورد معماری و شهرسازی ایران تهیه شده است ، به

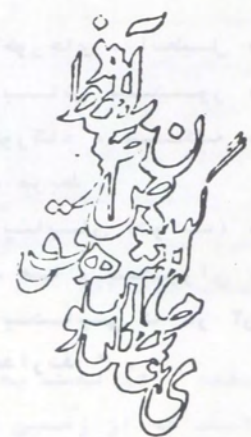


قدیم ایران

ایران فراهم خواهد شد .
در مقاله حاضر ، ابتدا در فهرست
شماره یک ، به ترتیب حروف
الفبا ، بناها با ذکر معادلات و
تعریف کوتاه آن ارائه گردیده
است و سپس در فهرست شماره دو ،
به ترتیب حروف الفبا ، به تفکیک
هر واژه ، کلیه بناها و معادلات
آن در دسترس قرار گرفته است .
این فهرست امکان دستیابی مستقل به

هر واژه را فراهم می‌آورد . برای
مثال جهت پیدا کردن معنی
" دارالرضاعه " باید به فهرست
شماره دو مراجعه کرد . در این
فهرست در مقابل واژه دارالرضاعه ،
کلمه شیرخوارگاه نوشته شده است .
در فهرست شماره یک ذیل کلمه
" شیرخوارگاه " توضیحات لازم آمده
است .

○ فهرست شماره ۱



آ

آب انبار : آبدان ، آبگاه ،
آبگیر ، برخ ، برکه ، تالاب ،
منبع ، منعه .
" بنائی جهت ذخیره کردن آب که
معمولاً در زیر زمین استقرار
می‌یابد " .
آتشکده : آتشگاه ، آتشک ، بیت
الکفار ، بیت النار ، بیت
النیران ، کنشت .
" پرستشگاه مغان ، جای آتش

ا

آرامگاه : آرامگه ، تربت ، تربت
خانه ، خوابگاه ، دارالقرار ، قبر ،
قرار ، قرارگاه ، گور ، مرقد ،
مدفن ، مضجع ، مقبره .
" جائی که در آن کسی را دفن
کرده‌اند ، محل آسایش ، جای امن ،
مأمن ، قبر ، گور ، مرقد و مدفن " .

آستانه : به فارسی " کریاس " و
به عربی " اسکنه " گویند . درگاه
و ساحت و مجازاً به بارگاه سلاطین
و ملوک گفته می‌شود .

آسیاب : آسیا ، رحا ، رحی ،
طاحون ، طاحونه ، طحانه ، مطحنه .
" آسیاب مرکب از دو جزء " آس " و
" آب " است " آس " دو سنگ
گرد و پخ برهم نهاده را گویند .
آسیاب ، آسی است که به قوت آب
گردد . باد آس یا آسیاب بادی ،
آسی است که به قوت باد گردد .
خرآس ، ستورآس ، گاوآس ، آسی
است که به قوت چهار پایان گردد
که آن را دولاب نیز گویند " .

آشپزخانه عمومی : آش خانه ،
باورچی‌خانه ، تنور خانه ،
دارالطبخ .
" بنائی جهت پخت و پز غذا برای
موم که معمولاً در مراسم مذهبی
مورد استفاده واقع می‌شود " .

آغل : آغول ، آغیل ، بوم کن ، بوم کند ، بیکنند ، چپر ، زاغه ، شبفا ، شبنغاز ، شبنوا ، شب گاه ، شوغا ، شوغاز ، شوگاه ، کمره ، کنده ، مریض .

" بنایی که به اسکان کوسفندان و کاوان و دیگر چهارپایان به هنگام شب در خانه یا کوه اختصاص دارد و بیشتر آن را در زمین احداث میکنند . "

آکروپل : اکروپلیس .
" قلعه دفاعی شهر را گویند .
همچنین رجوع کنید به کهندژ " .

۱

ارک : ارگ .
" هر قلعه که مسکن پادشاه و حاکم باشد . هر قلعه که درون شهر باشد . هر قلعه که درون قلعه دیگری باشد . همچنین به قلعه کوچک در میان قلعه بزرگ نیز ارگ گویند . "

استخر : آبگیر .
" بنایی جهت جمع آوری آب به منظور کشاورزی و شرب اهالی . "

استودان : برج خاموشی ، دخمه و مقبره کبران ، ستودان ، قبرستان کبرها ، کورخانه ترسایان ، ناوس ، ناووس .
" استودان از دو جزء استو به معنی

استخوان و دان به معنی ظرف تشکیل شده است . بنایی است که زردتشیها ، مرده خود را در آن قرار میدهند . کورستان مغان . "

اسکله : اسقاله ، اسقاله ، بارانداز ، خور ، سقاله ، لنگرگاه ، لنگرکه ، مرفاء .
" پل متحرک و یا ثابت بین ساحل دریا و وسایط نقلیه دریایی را گویند . "

اصطبل : آخور ، آخورجای ، اصطبل ، پاکاه ، جای باش ستور ، دارالتعلیف ، ستورگاه ، شنکله ، شولیده ، طویله ، مربوط .

" جایگاه چهارپایان (دواب) ، مکان بستن اسب ها و ستوران .
آخور حیوانات . بنایی که در آن چارپایان را نگاهدارند . "

امامزاده : " مقبره ای که در آن امامزاده (فرزند یا نواده یکی از امامان دوازده گانه) مدفون است . "

انبارهای عمومی : انبارخانه ، کالانبار ، انبار کالا .
" جای نگهداری کالا و ارزاق . محلی که بازرگانان در آن متاع و غله خود را نگهداری میکنند . "

انجمن : محفل ، گرد آمدنگاه .
" بنایی جهت برگزاری مجلس و مجمع که گروهی از مردم با هدف خاصی آن

را تشکیل میدهند . "

ب

بادشکن های بادگیر : " حائل هایی که جهت جلوگیری از نفوذ باد ایجاد مینمایند . "

بارگاه : بارکه ، دربخانه ، درخانه ، درگاه ، رزاق خانه ، خرگاه ، قبه .

" خانه و خیمه پادشاهان و سلاطین که لشکر و سپاه و غیره به سلام آیند . مکان بار دادن شاهان . "

بازار : آباکاری ، سوق ، واکار .
" محل داد و ستد (بازارگاه) . محل خرید و فروش کالا ، خوراک و پوشاک که در گذشته عمدتاً شامل بازارهای : صفاغان ، کاغذیان ، کفش دوزان ، کلاهدوزان ، ریسمان فروشان ، بزازه ها ، صباغ ها ، مسگران ، شمیرگران ، پسته شکنان ، صرافان ، عطارها ، گیوه دوزان ، علافان ، چهارپایان ، سلاخان ، صابون فروشان ، قصب فروشان ، پرنده فروشان ، خرما فروشان ، همیزم شکنان ، زیت فروشان ، برده فروشان ، مرغ فروشان ، دباغان ، ساج فروشان ، باقلا فروشان ، ماهی فروشان ، دارو فروشان ، روغن فروشان ، حریر فروشان ، زرگرها ، سراج ها ، سنگتراشان ، نعلبندان ، عطر فروشان ، فرش فروشان ، و ...

بوده است .

بازارچه : " محل خرید و فروش کالا، خوراک و پوشاک در سطح محله " .

بازارهای فصلی : " دکان های موقت که در مقاطع زمانی معین برای عرضه کالا تشکیل و سپس برچیده می گردد " .
باغ : آبسالن ، بستان ، بوستان ، حدیقه ، گلستان .

" محوطه ای است محصور که در آن درختان مثمر ، سبزیجات و امثال آن غرس و زراعت می کنند " .

باغچه : مفر باغ ، باغ کوچک و خرد .

بتخانه : بتستان ، بگستان ، بتکده ، بهار ، بهارخانه ، بهرمین ، بیت الاصنام ، بیت الصنم ، دارالاصنام ، دارالاوشان ، دژهرج ، خانه بت ، صنم خانه ، فرخار ، بگستان ، ناچرمک ، هیکل .

" خانه و مرکز و معبد بت ها که در آن بت ها را نگهداری و ستایش می کنند " .

برج : بنایی است قلعه مانند ، اما بسیار کوچک تر از آن که معمولاً کاربرد دفاعی دارد .

برج دیده بانی : قلعه های کوچک و بلند که بر زوایا و برسر دروازه و مکان های دیگر حصار ایجاد تا از

آنجا به دشمن تیراندازی کنند .
برج هایی که در باروی شهر سازند " .

برف انداز : محلی برای ریختن برف ها که معمولاً در بازارها و مساجد ایجاد می نمایند .

بست : تحمن گاه ، بست خانه .
" پناهگاهی که گنه کاران از بیم مجازات و یا به قصد داد خواهی به آنجا پناه می آورده و متحصن می شده اند . معمولاً در جلو محوطه بست زنجیر می کشیده اند که زنجیر بست نامیده می شد .

اصطبل پادشاهان ، مرقد امامزاده ها ، مساجد بزرگ ، قسمتی از بالاخیابان و پائین خیابان مشهد ، توپ مروارید و ... نمونه هایی از محل های بست بوده اند " .

بقعه : در لغت به معنی پاره زمینی است که از زمین های حوالی خود متمایز و ممتاز باشد . بقعه عمارت و بنایی است که مدفن و مقبره اشخاص خاصی همچون روحانیون معروف ، علما ، زهاد و ... کرده " .

بند : آب بند ، بندگاه ، بندکه ، سد .
" بنایی که در جلوی آب احداث کنند تا مانع جریان آب بشود " .

بندر : بندرگاه ، معبر بحر .
" بندر از دو جز بنه و در ترکیب

شده و در لغت به معنی جای بار و بنه است . محلی است در ساحل دریا و یا رودخانه که جایگاه توقف و بارگیری و بار اندازی وسایط نقلیه دریایی است " .

بوکن : " مسکن موقتی ، سکونت گاه مقنیان که در اثر دور بودن محل سکونت و محل کار ، آنان را ناچار می کرد در بیابان ها و مسیر حفر میله های قنات مسکنی را به صورت موقتی در دل زمین حفر و ایجاد کنند " .

بیت الحکمه : خزانه الحکمه .
" مرکز علمی و فرهنگی که عموماً دارای کتابخانه و سایر مؤسسات تحقیقاتی مربوطه بوده است " .

بیت اللطف : بیت اللطف ، خرابات خانه ، دلال خانه ، زغاو ، فاحشه خانه ، لولی خانه .
" جایگاه زنان بدکاره " .

بیمارستان : بیمارخانه ، بیمارستان ، دارالشفه ، دارالمری ، درمانگاه ، شفاخانه ، مارسان ، مارستان ، مریضخانه ، مستشفی .
" بنایی که اختصاص به مداوای بیماران دارد " .



پادگان : ساخو ، سربازخانه .
 " بنایی که در آن گروهی از سربازان به جهت حفظ و نگهبانی جای گزیده باشند . محلی که در آن ، سربازان زندگی میکنند ."

پارکین : فارقین .
 " محلی که در آن آب های ناپاک را گرد آورند ، خندق گونه که برگرد شهر ایجاد می کردند تا آب های آلوده را در آن جمع کنند ."

پاسگاه : قراولخانه ، کشیک خانه ، پاسدارخانه .

" بنایی بلند که دیده بانان ، پاس بانان ، کشیک چیان (حارسان) شب و روز در بالای آن چشم به راه دشمن باشند ."

پاشیر : زیر زمین کوچکی که شیر آب انبار بر دیوار آن نصب شده است و از آن جا آب بر می دارند .

پایاب : پاکنه ، پادیاو .
 " بنایی که در زیر زمین احداث می شده و به وسیله آن به بن آب می رسیده اند و عموماً برای دستیابی به آب قنوات که از زیر مجتمع های زیستی می گذشته ، احداث می شده است ."

پخشاب : آب پخشان ، آب پخشکن ، آب پخشان ، آب پخشکن ، فرزه ، لت ، لله ، مقسم .

" بنایی جهت بخش کردن و تقسیم آب که عموماً بعد از مظهر قنوات ، به منظور توزیع آب بین اراضی مزروعی ، احداث می شده است . در برخی از مجتمع های زیستی ، پخشاب در قسمت تحتانی مساجد ، قرار داشته است ."

پرورشگاه : دارالایتام .
 " بنایی که کودکان یتیم را در آن نگهداری و پرستاری می کنند ."

پل : پول ، جسر ، قنطره ، معبر .

" بنایی طاقی شکل که بر روی رودخانه برای عبور سازند ."



تخت گاه : تخت خانه ، تختک .
 " محلی که شاهان بر تخت نشینند و مکانی که تخت شاهی در آن قرار دارد ."

ترک : خندقی را گویند که بر دور حصار و باغ و قلعه و امثال آن کنند .

تفرجگاه : تماشاگاه ، گردشگاه .
 " محل و جای گردش و تفریح ."

جایی که برای تفریح بدانجا روند .
 تکیه : "جای تعزیه و روضه خوانی .
 خانقاه و منزل دراویش و فقرا .
 جایی که در آن به دراویش و مسافران فقیر طعام رایگان دهند ."

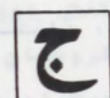
تلمبار : تلیبار ، تلیمبار ، تلیوار .

" بنایی جهت پرورش کرم ابریشم و نیز نوعی انبار برنج ."

تنبوشه : مجموعه لوله های سفالین که

در زیرزمین برای ساختن مجرای آب (آبراهه) بکار می رود .

تنک : " آغلی که از نی برای گاوان سازند ."



جذامی خانه : " بنایی که در آن از جذامی ها نگهداری ، پرستاری و مداوا می کنند ."

جماعت خانه : محل اقامه نماز جماعت .

جوی : نهر .

" مجرای که آب را از آن ، جهت مشروب کردن زمین عبور دهند ."

چاپارخانه : ایستگاه ، پستخانه ،
چرخانه ، یام ، یامخانه .
" منازلی که بر سر راه ایجاد
می‌کرده‌اند و به پیک ها و
نامه برهای دولتی خدمات لازم را
ارائه می‌داده‌اند . ایستگاه پیک ها
و سرویس‌های پستی که در آن برید و
پیک اسب را عوض می‌کردند " .

چاه : بئر ، چال ، مفاک .
" کودی دایره شکل عمیقی که در زمین
جهت بیرون آوردن آب ایجاد
می‌کنند " .

چرخاب : چرخ چاه ، چرخ دولاب ،
چرخ‌های آب کشی ، دولاب ، سیپک .
" محلی که در آن چرخ‌های قرار
می‌داده‌اند تا به وسیله آن ، چرخ ،
آب را از چاه بیرون کشد . معمولا
این چرخ ها به وسیله گاو ، شتر و
یا اسب کار می‌کرده است " .

چشمه : ينبع .
" منبع آب طبیعی . جایی که آب
جوشد و روان شود " .

چله خانه : ریاضتگاه .
" محل ریاضت کشیدن و چله گرفتن
چله نشینان . جای اعتکاف صوفیان
و زهاد . خانه‌ای که مرتاضان ایام
چله را در آن بسر می‌برند " .

چهار سوق : مربعه ، چار سوق ،
چار سو ، چهار سو .
" محلی که چهار بازار به چهار
جانب باز و ممتد گردد " .

ح

حایط : زمینی است در داخل شهر که
اطراف آن دیوار کشیده باشند و در
آن زراعت کنند . جمع آن حیطان
است . اینگونه زمین ها را در
سبزوار حیط و در مشهد حیله گویند " .

حرم : " گرداگرد و محوطهء امکانهء
مقدس و متبرک " .

حرمسرا : حرمخانه ، پرده سرا .
" خانه زنان پادشاه و اعیان " .

حسینیه : " خانه‌ای که مخصوص اقامه
عزای حسین ابن علی ابن ابیطالب
(ع) باشد . مسافرخانه‌هایی که در
شهرها مخصوص زائران حسین (ع)
می‌ساختند که جنبه انتفاعی نداشته
است " .

حصار : باره ، بارهء دژ ، بارو ،
حصن ، ذرغاله ، دژغاله ، دیوار
بست ، سور ، شهربند ، شهرپناه ،
مقل .

" دیوار ، بارو و حصار که دور شهر
برای محافظت آن بنا می‌کردند .
استحکاماتی که در اطراف قلعه بر

پا می‌ساخته‌اند " .

حظیره : حذیره ، کنیف ، شترگاه
شوگاه ، اشترگاه .

" محل محصور . محوطه‌ای از خار و چوب
و نی که برای حیوان سازند تا از
سرما و باد در امان بماند . حظیره
در مقاطعی از زمان نیز ، محل و
ملاوای دراویش واقع می‌شده است " .

حمام : غسل خانه ، گرمابان ،
گرمابه ، گرمخانه .
" محل شستشوی تن و بدن " .

حوزه علمیه : محل تدریس علوم
دینی به طلاب " .

خ

خارخانه : خس خانه ، خیس خانه ،
گلستان .

" بنایی که با خار و خاشاک
می‌سازند و با پاشیدن آب روی خارها
و عبور بادهای گرم از خارها ، درون
خارخانه دارای هوای مطبوعی می‌گردد .
این تدبیر عموماً در مناطق گرمسیری
و حاشیه کویر مورد استفاده قرار
می‌گرفته است " .

خانقاه : خانگاه .

" منزل یا محل اجتماع صوفیان ،
دراویش و مشایخ که در آن جا هم
چنین از فقرا به رایگان پذیرایی

می‌کرده‌اند . جمع آن خوانسق و خانقاهات است " .

خزانه : بیت المال ، تحویلخانه ، مخزن ، گنج خانه .
" بنیایی جهت نگهداری گنج و دارایی های حکومت " .

خسته خانه : " بنیایی که در آن پیران ناتوان و بیماران درمان ناپذیر و کودکان بی کسی را نگهداری می‌کردند " .

ظلمت خانه : بنیایی که در آن خلایق (جمع ظلمت) مهیا و موجود بود . این محل ها ، خاص پادشاهان و بزرگان بود که خلایق را جهت بخشش در آن آماده و مهیا نگه می‌داشتند " .

خلیفه گری : " بنیایی که در آن اسقف کلیسا مقام داشته باشد " .

خندق : کنده .
" کودی که گرداگرد شهری ، یا حصار شهری و یا قلعه شهری یا لشکرگاهی ایجاد کنند تا مانع سیل و هجوم دشمن بشود " .

د

دار آفرین : دارابزین ، دارافزین ، داربزین ، دارفزین .
" بنیایی شبیه دکه‌ها و کیوسک های

امروزی که در آن کالا عرضه می‌کردند . صفه و سکوه در پیش خانه‌ها جهت نشستن می‌ساختند " .

دارالاماره : " خانه امیر ، حاکم نشین ، مقر فرمانده ، شهری که فرماندهی ایالت در آن واقع باشد " .

دارالتادیب : " بنیایی که در آن دزدان و بدکاران خردسال را نگهدارند و به نیکی پرورش دهند " .

دارالتولیه : محل استقرار متولیان اماکن متبرکه و موقوفات " .

دارالحجاج : " محل پذیرایی از حجاج "

دارالحديث : " محل ذکر و آموزش احادیث دینی " .

دارالحفاظ : " محل آموزش و حفظ قرآن " .

دارالحکومه : " سرای حاکم ، محل حکومت کردن ، پایتخت ، مرکز فرمانروایان " .

دارالخلافة : خلیفه نشین .
" جای اقامت خلیفه ، پایتخت " .

دارالسلطنه : " پایتخت ، مقر حکومت " .

دارالسیاده : " محل استقرار سادات

در اماکن متبرکه " .

دارالسیاسة : " جایی که گنه کاران را در آن تنبیه می‌کردند " .

دارالطلبه : " محل استقرار و آموزش طلاب علوم دینی " .

دارالعبادة : " محل عبادت در اماکن متبرکه " .

دارالغریباء : " سرایی که جهت اقامت و نگهداری غریبان است " .

دارالقرآن : بیت المصحف ، دارالقراء .

" محل قراشت قرآن در اماکن متبرکه " .

دارالقمامه : " عبادتخانه خرسایان " .

دارالمناظره : " بنیایی که در آن دانشوران گرد می‌آمدند و درباره مسائل علمی بحث و مناظره می‌کردند " .

داروخانه : بیت الدوا ، بیوت الادویه ، داروکده ، دواخانه .
" محلی که در آن دارو تهیه و به فروش می‌رود " .

دانشسرا : دارالمعلمین ، دارالفنون .

"آموزشگاه حرفه ها و پیشه ها .
آموزشگاهی که خاص تعلیم و تربیت
دبیر و آموزگار است " .
دانشگاه ، جامعه .

"موسسه ای که در آن تعلیم درجات
عالیه علوم و فنون و ادبیات و
فلسفه و هنر کنند " .

دخمه : گورخانه .

"اطاق زیرزمینی یا سردابه ای که
جسد مردگان را در آنجا قرار
می دهند " .

دربند : "دروازه های بازار که از
آنها در اندرون بازار در آیند . در
یا دروازه که در مدخل و کوچه بازار
قرار می داده اند . بدان اعتبار که
کوچه ها نیز سرپوشیده بوده است ،
بنابراین دربند دژ یا دربند شهر یا
قلعه ، مدخل یا یکی از مدخل های آن
که به کوچه ای یا بازاری و محله ای
منتهی می شده ، بوده است " .

دروازه : باب .

"مدخل شهر ، محل ورود به مجتمع
زیستی یا قلعه . چون در گذشته در
مدخل مجتمع های زیستی و قلاع ، درهای
بزرگ کار می گذاشتند ، در این حال
دروازه بر در و بنایی که در بر آن
نصب شده بود ، مجموعاً "مدخل
مجتمع زیستی و یا قلعه را مشخص
می ساخت " .

دژ : دژ ، قلعت ، قلعه ، کوه .
"برج و بارویی است به شکل
دایره . قلعه و حصار را عموماً و
قلعه بالای کوه را خصوصاً ، دژ
گویند " .

دکان : بیت التجاره ، تجارتخانه ،
حانوت ، حجره ، دکه ، مغازه .
"بنایی که در آن صنعتگران و کسبه
اجناس و خدمات خود را در معرض
خرید و فروش و استفاده دیگران
قرار می دهند " .

ذیلا "به فهرست تعدادی از صنعتگران
دارای دکان در گذشته اشاره می شود :
زرگر ، خیاط ، قمار ، دقاق ،
کلاهدوز ، گازر ، کفاش ، آهنگر ،
رفوگر ، پوستین دوز ، طرازگر ،
وراق ، عطار ، نجار ، خراط ،
ریخته گر ، سبذباف ، سقا ،
آسیاگر ، آشپز ، گل فروش ، نقاش ،
خطاط ، پزشک ، شکسته بند ، جراح ،
فماد (حجام ، حجامتگر) ، دامپزشک ،
شیرینی پز ، مقلی ، نانوا ، علاف ،
دلال ، بزاز ، رنگرز ، مسگر ، پنبه
فروش ، کتان فروش ، صراف ،
سمسار ، سدر فروش ، فخار ،
سفالگر ، دوک ساز ، حنا فروش ،
شانه ساز ، غربال ساز ، مشک ساز ،
نمد مال ، کرکوه ساز ، کاه فروش ،
چوب فروش ، الوار فروش ،
منبت کار ، سراج ، زه تاب ، دلو
دوز ، نعلبند ، پیله ور ، سنبلاده
کار ، قوطی ساز ، شیره پز ،
کتابفروش و ...

دکانچه : دکانک .

"مغزر دکان به معنی دکان خرد و
کوچک " .

دولتخانه : دارالدوله .

"محل استقرار عوامل حکومتی " .

دیر : "خانه ای که راهبان در آن
عبادت کنند و غالباً از شهرهای
بزرگ بدور است و در بیابان ها و
قله های کوه ها بر پا گردد و هرگاه
در شهرها بنا گردد آن را کلیسا
گویند " .

دیوارهای دفاعی : "استحكامات
نظامی دیوار مانندی است که در
سطح منطقه ای و گاه محلی از نفوذ
دشمن به داخل کشور جلوگیری
می نموده است " .

دیوان : مجمع المصنف .

"محل گودآوری دفاتر ، مطلق اداره
و تشکیلات اداری که عمدتاً شامل
دیوان های زیر بوده است :

دیوان خزانه ، برید ، سپاه ، ضیاع ،
آب ، اوقاف ، خراج ، شرف ،
صاحب شرط ، مؤید ، عارض ، قضا ،
محاسب (احتساب) ، مستوفی ،
مملکه خاص ، وزیر ، جیش ،
رسائل ، صدارت ، نفقات ،
پروانچه ، توقیع ، طغرا ، استیفا ،
انشاء ، شوری ، عیار ، احداث
اربعة ، احشام ، جزا ، جند ، حرب ،
خاتم ، خاصه (خالصه) ، زمام

(بازرسی) ، صدقات ، قدر ، مظلالم ، تنخواه (تن) ، اعلى ، (دربار) و ... " .

دیوانه خانه : تیمارستان دارالمجانین ، محبس مجانین . " بنایی که در آن دیوانگان را نگهداری ، پرستاری و مداوا می کنند " .



راهدارخانه : باجگاه ، باجگیران ، باژخانه ، باژستان ، باژگاه ، حدگاه ، دارخانه ، رصدگاه ، شهیندرخانه ، کمرک ، کمرخانه ، مرصد .

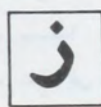
" بنایی بود مستقر در فاصله قلمروهای فرمانروایان که در آن ماموران مسلح دولتی از کالاهای بازرگان عوارض یا مالیات راه می گرفتند (نظیر کمرک خانه های امروزی) . جایگاه محافظان راه ها " .

رباط : " در ابتدای ظهور اسلام به بنای مستحکم گفته می شد که در آن کسانی اقامت می ورزیدند تا برای دفاع از اسلام خود را آماده می ساختند . به این افراد مرابطون می گفتند . سپس ، رباط به بنایی اطلاق گردید که در کنار راه جهت استراحت و سکنی و منزلگاه قافله و کاروان قرار داشت و سرایی که

برای فقیران اختصاص می یافت " . رختشوی خانه : رختشورخانه ، گازرخانه ، گازرگاه . " بنایی جهت شستن جامه ها " .

رستوران : بنایی که در آن غذا تهیه و عرضه می شود " .

رصدخانه : رصدگاه ، رصد که ، زیج ، مرصد . " بنایی که در آن حساب حرکات و درجات سیارات و ثوابت را ضبط نمایند . محل نگهداری حساب ستارگان و تقویم و بررسی احوال و حرکات افلاک و کواکب " .



زاغه : " محل نگهداری مهمات نظامی که معمولاً در داخل کوه قرار دارد " . زاویه : گوشه .

" زاویه دارای معانی متعددی است : - غرفه هایی که در مساجد در آن فقه تدریس می شود . - اتاقی در خانقاه که به خلوت و ریاضت شیخ یا فقرا اختصاص داده می شود . - اتاقی در خانه یا جای دیگر که به نماز اختصاص داده می شود . - جایی که در خانقاه برای نشستن شیخ و قطب معین می شود .

- محل خاص قرائت قرآن .

- در مصر به خانقاه زاویه می گویند . - در اصطلاح مسلمانان قرون وسطی مرکزی است دارای تشکیلات وسیع برای تحصیل علوم ، نگاهداری و تربیت اطفال مسلمین و محصلین بی بضاعت و پذیرائی واردین . - زاویه نظیر خانقاه و رباط است جز آنکه در آن مجالس ذکر برپا می گردد .

در برخی از زاویه ها مقبره مخصوص صلحا و یا استادانی که ترجیح می دهند در جوار قبر مرابط دفن شوند اضافه شده است " .

زایرسرا : " بنایی جهت پذیرایی از زوار " .

زندان : بند ، بندیخانه ، حبسخانه ، حصر ، دارالتادیب ، دوستاخ ، دوستاق ، دوستاق خانه ، زندان خانه ، سجن ، قید خانه ، محبس . " جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند " .

زورخانه : " جایی که در آن ورزش های باستانی انجام می شود . باشگاه ورزش های پهلوانی " .

زی : " بنایی مخصوص استقرار صوفیه " .

زیارتگاه : زیارت جای ، زیارت خانه ، زیارتکه ، مزار .

" محل و جای زیارت کردن " .

س

ساباط : سایبان .

" پوشش رهگذر ، پوشش سقف بازار ، سقف میان دو دیوار که از زیر آن راه باشد .

سبزه میدان : " میدانی که در آن سبزی و تره بار می‌فروشند و معمولاً در مدخل بازار قرار دارد " .

سرداب : سردابه .

" خانه‌ای را گویند که در زیر زمین سازند تا در گرما به آن پناه برند و آب را در آنجا نگاهدارند تا سرد بماند " .

سردخانه : " بنایی است برای نگاهداری ماکولات فاسد شدنی " .

سفره خانه : " محلی جهت ارائه غذای رایگان به مردم که معمولاً در جوار اماکن متبرکه قرار دارد " .

سقاخانه : " جایی که در آنجا آب برای تشنگان ذخیره کنند و آنجا را متبرک دانند " .

سقاوه : سقابه ، سقایه .

" نوعی حمام که در زیر زمین احداث کنند و از آب قنات استفاده

نمایند . جای آب خوردن و خزانه آبی که در مسجد احداث کنند " .

ش

سل : سله .

" نوعی استخر که جهت ذخیره آب برای آبیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد " .

سلاح خانه : اسلحه خانه ، جبه خانه زراد خانه ، قور خانه .

" بنایی که در آن سلاح را جای می‌دهند . انبار و محل نگهداری اسلحه " .

سلاخ خانه : دارالسلخ ، سلخ ، کشتارگاه .

" بنایی که در آن گاو و گوسفند را ذبح کنند و پوست آن را بکنند " .

سنگاب : سنگابه .

" ظرف بسیار بزرگ آب که گنجایش چند خروار آب را دارد که از یک پاره سنگ تراشیده شده است که در مساجد ، تکایا و امازاده‌ها برای آشامیدن یا وضو قرار دهند " .

سیلو : " انبار خاص محافظت کندم .

انبار یا مخزن کاملاً بسته‌ای که در زیر زمین یا روی آن برای محفوظ نگاهداشتن محصولات کشاورزی می‌سازند " .

شترخان : اشترخان ، خوابگاه شتران ، شترخانه ، طویله ، شتر .
" کاروانسرای که شتران را در آنجا مسکن و غذا دهند و نگهداری کنند " .

شربت خانه : " محلی که در آن شربت و امثال آن نگهداری می‌شود . جای نگهداری شربت ها " .

شوادون : شبادان .

" زیر زمین ، سرداب عمیق ، جایی که شب در آن آرام گیرند " .

شیرخوارگاه : دارالرضاعه .

" بنایی که کودکان شیرخوار را در آن نگهداری می‌کنند " .

شیره کش خانه : شیرک خانه : شیره خانه .

" محلی که در آنجا شیره تریاک کشند " .

ص

صدقه خانه : " محلی که مخصوص جمع آوری صدقات بوده است " .

صفه : ایوان مسقف ، غرفه مانندی در درون اطاق بزرگ که کف آن کمی بلندتر است و بزرگان بر آن

می‌نشستند . خانه تابستانی سقف دار " .

سومعه : " عبادت خانه ترسایان و نماری " .

ض

ضرابخانه : دارالسکه ، دارالضرب ، درم سرای ، سرا ضرب ، سرای درم ، سکه خانه ، میخ کده .
" بنایی که در آن سکه می زدند "

ط

طهارت خانه : آبخانه ، آبریز ، آبریزگاه ، آبشنگاه ، ادبخانه ، بربخ ، بیت التخلیه ، بیت الخلاء ، بیت الفراخ ، حاجت خانه ، دارالحدث ، طهارت جای ، کنیف ، مبال ، مبرز ، مرحاض ، مستراح .
" جای بول و محل قفای حاجت " .

ع

عبادتخانه : عبادتگاه .
" مکان عبادت و پرستش . آنجا که در آن ستایش و پرستش خدا کنند " .

عمارخانه : " بنایی که در آن شیره انگور یا روغن نباتی گیرند . محل

اجتماع عماران " .

غ

غسالخانه : مرده شورخانه ، مرده شوخانه ، مرده شوی خانه ، مفتسل ، مفسل .
" بنایی که در آن مردگان را می‌شویند و غسل می‌دهند " .

ف

فحوت خانه : " محل اجتماع فتمیان (جوانمردان) " .

فراش خانه : " سرایی که فراشان دربار در آن گرد می‌آمدند و منتظر اوامر می‌ماندند " .

فراموشخانه : " محل تشکیل محفل فراماسونرها در ایران " .

فصیل : " دیوار کوچک درون حمار یا درون بارهء شهر " .

ق

قبرستان : گورستان .
" محل دفن مرده‌ها " .

قدمگاه : قدم جای .

" محلی که پای پیامبری ، امامی یا ولی بدانجا رسیده باشد " .

قصر : کاخ ، کوشک .

" بنای استوار و بلند که جایگاه پادشاهان و فرماندهان و امرا بوده ، به عمارت بلند نیز قصر گویند " .

قلندرخانه : " محل اجتماع و خانه قلندرها " .

قنات : کاریز ، کاه ریز ، کهریز .
" مجموعه‌ای از چند میله و یک کوره (یا کوره‌های) زیر زمینی که با شیبی کمتر از شیب سطح زمین ، آب موجود در لایه (یا لایه‌های) آبدار مناطق مرتفع زمین یا رودخانه‌ها یا مرداب‌ها و برکه‌ها را به کمک نیروی ثقل و بدون کاربرد نیروی کشش و هیچ نوع انرژی الکتریکی یا حرارتی با جریان طبیعی جمع‌آوری می‌کند و به نقاط پست تر می‌رساند . به عبارت دیگر قنات را می‌توان نوعی زهکش زیرزمینی دانست که آب جمع‌آوری شده توسط این زهکش به سطح زمین آورده می‌شود و به مصرف آبیاری یا شرب می‌رسد " .

کنسول خانه : کنسول خانه ، کنسولگری .

" محل زندگی و کار کنسول " .

قهوه‌خانه : چایخانه .

" جایی که در آن قهوه می‌پزند و چای

دم می‌کنند .

دارد .

قیمریه : " راسته بازار بزرگ که عمدتاً در آن منسوجات به فروش رسانیده می‌شود .

ک

کارخانه : کارگاه تولیدی .

" پیشه گاه و جایی که در آن پیشه و صنعتی را به انجام می‌رسانند . محل تولید چیزها ، مثل ، طراز ، دیبا ، گلاب ، منسج ، روغن و

کاروانسرا : تیم ، تیمچه ، خان ، خان‌التجار ، خانبار ، خوان ، رباط ، سباط ، سرای کاروان ، کاربات ، کاروانگاه ، کاروانگه .

" بنایی که در آن کاروان منزل کند . کاروانسرای بزرگ را تیم و کاروانسرای کوچک را تیمچه گویند .

کانال‌های آب : آبراهه .

" آبراهه‌ای که میان دو آبگیر ایجاد می‌شود .

کبوتر خوان : برج کبوتر ، قوشخانه ، کبوترخان ، کبوترخانه ، کفترخان .

" بنایی که جهت کبوتران اهلی سازند و معمولاً برج گونه است که هم جهت استفاده از کود حیوان است و هم عملکرد دیده بانی (دفاعی)

کوی های دانشگاهی : " محل سکونت دانشجویان و گاه طلاب علوم دینی .

کهندژ : قندز ، قندوز ، قهندز ، کهندژ ، کهنه دژ .
" قلعه قدیمی که معمولاً متعلق به شهر و یادر مرکز آن باشد .

گ

گذر ، گذرگاه .

" راهی فراخ که از آنجا بتوان به راه‌ها و جاهای بسیار دست یافت .
گرم‌خانه : " خانه‌ای که در زیرزمین برای سکونت ایام سرما سازند . به معنی گلخانه نیز آمده است .

گلخانه : " بنایی که به منظور پرورش گل و گیاه سازند .

ل

لشکرگاه : اردو ، جای لشکر ، لشکر جای ، لشکرکه ، معسکر .
" جای و محل استقرار لشکر .

لشکر : لشکرخانه .
" بنایی را گویند که در آن محل همه روزه طعام رایگان به فقرا دهند . محل اجتماع و خوردنکاه سولیان .

کتابخانه : بیت‌الکتب ، خزانه الکتب ، دارالکتب ، مخزن کتاب .
" بنایی جهت نگهداری و استفاده از کتاب .

کلات : کلاته .

" قلعه یا دهی بزرگ را گویند که بر سرکوه یا پشته بلندی ساخته شده باشد .

کلاه فرنگی : " عمارتی مسقف که در وسط کاخ‌ها و باغ‌ها برای استراحت سازند یا در میدان‌ها برای فروش کالا سازند .

کلیسا : کلیسه ، کلیسیا .

" جای پرستش و معبد ترسایان .

کنیسه : " کلیسای ترسایان یا جهودان (کلیمی‌ها) . اساساً اعراب معبد یهود را کنیس ، معبد نصاری را کنیسه ، معبد مسلمانان را جامع و مسجد و معبد بت پرستان را هیکل گویند .

کوچه : کوچه .

" مسیر کوی . راه کوچک و دراز . کوچه به معنی محله و برزن نیز بکار می‌رود .

کوی : " راه فراخ و کشاد را گویند . معبر و گذر .



مانستار : " ابن بطوطه در سفرنامه خود از مانستارات قسطنطنیه نام میبرد که این محل معادل مومعه خانقاه ، دیر و زاویه در نزد مسلمانان است . "

مدرسه : بیت التعلیم ، دارالادب ، دارالتعلیم ، دارالمعلم . " بنایی که در آن درس دهند و درس خوانند . "

مدرسه علمیه : " بنایی که در آن درس علوم دینی می‌دهند و می‌خوانند . "

مربع : " خانه‌ای که خاص اقامت ایام ربیع (بهار) باشد . خانه بهاری . "

مسجد : بیت الله ، تاریخانه ، توحیدخانه ، خانه خدا ، خدای خانه ، مزکت ، مزکت ، نمازخانه . " خانه‌ای که مسلمانان برای پرستش پروردگار یکتا می‌سازند . "

مسکن : آلاچیق ، آلونسک ، ابه ، او ، اوبه ، بیت ، تلک ، چادر ، خانه ، دار ، ربع ، زاغه ، سرا ، سیاه چادر ، کپر ، کومه ، منزل ، یورت .

" جای و مقام سکونت خانواده . واحد مسکونی . "

مشاهد : " شهادت گاه‌ها و قبرستان شهیدان . "

مشتی : " خانه زمستانی . موضعی که زمستان را در آنجا گذرانند . "

معلی : سیرگاه ، عیدگاه ، نمازگاه ، مصلی .

" محل و جای نماز که مردم در اعیاد (مثل عید فطر ، قربان و ...) در آن نماز گزارند . معلی ها بعدها به گردشگاه (سیرگاه) مردم تبدیل شد . "

مصیف : " خانه تابستانی . جایی که تابستان در آن اقامت کنند . "

معبد : " عبادتگاه و جای پرستش نزاری و به معنی جای عبادت مسلمانان نیز آمده است . "

معبر : " محل عبور و جای گذر . "

معطن : مبرک ، مناخ .

" جای باش شتران و آغل کوسفندگان نزدیک آب . "

مکتب خانه : مکتب گاه .

" محل و جای آموختن دانش به کودکان . "

موزه : دارالتحف ، متحف .

" بنایی که در آن مجموعه بزرگی از اشیاء قیمتی را نگهداری و در معرض نمایش قرار می‌دهند . "

مولوی خانه : " تکیه دروایش مولوی ، خانقاه دروایش . "

مهمانسرا : خان السبیل ، دارالضیافه ، دارالضیف ، فندق ، فندق ، مسافرخانه ، مفیف ، منزلگاه مسافر ، مهمان خانه . میهمان خانه ، میهمان سرا .

" جای پذیرایی از مهمانان . سرای خاص مهمانان ، جایی که مسافر در آن منزل می‌کند . "

میخانه : خرابات ، خمخانه ، خمدان ، خمستان ، خمکده ، سرای سرور ، شرابخانه ، شیره خانه ، میکده .

" محل و جایی که در آن باده فروشند و خورند . "

میدان : واشودگاه .

" فضا و عرصه کشاده که در اطراف آن خانه‌ها و یا دکان ها مستقر باشد . "

میدانچه : میدانک .

" میدان خرد و کوچک را گویند . "

میل : سنگ فرسنگ ، سنگ نشان .
 " مناره و هر نشانی که در راه برای
 تعیین مسافت قرار دهند که معمولاً"
 به شکل مخروط بوده است " .

ن

نقاره خانه : نقارخانه .
 " محل و جایی که در آن روزی دو
 نوبت می زنند . جایی که در آن
 نقاره می زنند " .

نقب : " راهی که پنهان از چشم
 مردم در زیر زمین تعبیه کنند " .

نقب خانه : خانه ای که در زیر
 زمین سازند تا هر کسی بر آن واقف
 نباشد " .

نکارخانه : " کارگاه و خانه
 نقاشی " .

نماز خانه : " معبد ترسایان که از
 کلیسا کوچکتر است " .

نمایش خانه : تاتر ، تماشا خانه ،
 نمایشگاه .
 " بنایی جهت نمایش دادن " .

نوان خانه : دارالمجزه ،
 دارالمساکین .

" بنایی که در آن بی نوایان و
 نابینایان را نگاهداری می کنند " .

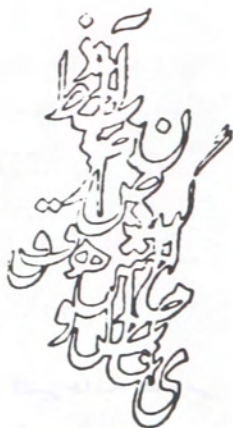
و

ورزشگاه : بازیگاه ، ملعب .
 " محل و جای بازی " .

ی

یخچاژون : یخچاوان .
 " محل یخ گرفتن (یخ گیر) در یخچال
 را یخچاژون می گویند . سطح یخچاژون
 از سطح عمومی زمین معمولاً نیم متر
 پائین تر و به شکل کرت بسیار
 بزرگی است . آب وارد محل
 یخچاژون می گردد و در شب یخ بسته
 می شود که این یخ ها سپس به یخچال
 هدایت می گردد " .

یخچال : چالمه ، کود ، یخچال .
 " بنای مسقفی که در زیر زمین جهت
 نگهداری یخ احداث می کردند " .



● فهرست شماره ۲



آبکاری : بازار
 آب انبار : آب انبار
 آب بخشان : پخشاب
 آب بخشن : پخشاب
 آب بند : بند
 آب پخشان : پخشاب
 آب پخشن : پخشاب
 آبخانه : طهارت خانه
 آبدان : آب انبار
 آبراهه : کانال آب
 آبریز : طهارت خانه
 آبریزگاه : طهارت خانه
 آبسالان : باغ
 آبفتنگاه : طهارت خانه
 آبگاه : آب انبار
 آبگیر : " استخر " و " آب انبار "
 آتشکده : آتشکده
 آتشگاه : آتشکده

آتشکده : آتشکده

آخور : اصطبل

آخور جای : اصطبل

آرامگاه : آرامگاه

آرامگاه : آرامگاه

آستانه : آستانه

آسیاب : آسیاب

آسیاب : آسیاب

آشپزخانه عمومی : آشپزخانه عمومی

آش خانه : آشپزخانه عمومی

آغل : آغل

آهول : آغل

آغیل : آغل

آکروپل : آکروپل

آکروپلیس : آکروپل

آلاچیق : مسکن

آلونک : مسکن

ا

اوبه : مسکن

ادب خانه : طهارت خانه

اردو : لشکرخانه

ارک : ارک

ارک : ارک

استخر : استخر

استودان : استودان

اصطبل : اصطبل

اسقاله : اسکله

اسکله : اسکله ، بندر

اسلحه خانه : سلاح خانه

اشترخان : شترخان

اشترگاه : حظیره

اصطبل : اصطبل

اصقاله : اسکله

امامزاده : امامزاده

انبارخانه : انبارهای عمومی

انبار کالا : انبارهای عمومی

انبارهای عمومی : انبارهای عمومی

انجمن : انجمن

او : مسکن

اوبه : مسکن

ایستگاه : چاپارخانه

ب

باب : دروازه

باجگاه : راهدارخانه

باجگیران : راهدارخانه

بادشکن های بادگیر : بادشکن های-

بادگیر

بارانداز : اسکله

بارگاه : بارگاه

بارگه : بارگاه

باره : حصار

بارهء دژ : حصار

بارو : حصار

بازرا : بازار

بازارچه : بازارچه

بازیگاه : ورزشگاه

بازارهای فعلی : بازارهای فعلی

بازخانه : راهدار خانه

بازستان : راهدار خانه

بازگاه : راهدارخانه

باجستان : راهدارخانه

باستیان : باستیان

باستیون : باستیان

باغ : باغ

باغچه : باغچه

باورچی خانه : آشپزخانه عمومی

بئر : چاه

بتخانه : بتخانه

بتستان : بتخانه

بتکده : بتخانه

بربخ : طهارت خانه

برج : برج

برج خاموشی : استودان

برج دیده بانی : برج دیده بانی

برج کبوتر : کبوتر خوان

برخ : آب انبار

برف انداز : برف انداز

برکه : آب انبار

بست : بست

بستان : باغ

بست خانه : بست

بفستان : بتخانه

بقعه : بقعه

بند : "بند" و " زندان "

بندر : بندر

بندرگاه : بندر

بندگاه : بند

بندگه : بند

بندیخانه : زندان

بوستان : باغ

بوکن : بوکن

بوم کن : آغل

خراشها است. چند غرفه نیز به نمایش کارآیی نرم افزارهای جدیدی که در رابطه با طراحی معماری تولید شده اختصاص داشت. پیشرفته ترین آنها را شرکت امریکایی (APPLE MACINTOSH) ارائه کرده بود. پیشرفت چشمگیری که در این زمینه به دست آمده است استفاده از اجزاء و عناصر ساختمانی در طراحی به جای ترسیم خط است. برنامه‌های جدید به گونه‌ای است که حاوی عناصر ساختمانی مانند دیوار، در، پنجره، مبلمان و امثال آن است که هر کدام بسته به خواسته‌ی طراح می‌تواند تنوعی از ابعاد در اندازه‌ها و طرح‌ها و اشکال مختلف را داشته باشد. یکی از انواع پیشرفته‌ی این نرم افزارها قادر است پس از پایان طرح بلافاصله ریز کلیه‌ی مواد و مصالح اصلی ساختمانی بنا را نیز برآورد و ارائه کند و در صورتیکه قیمت‌های مربوط نیز به کامپیوتر داده شوند هزینه‌ی ساختمان را نیز همزمان برآورد کند تا در صورت لزوم در طرح اصلاحات لازم به عمل آید. رویهم رفته به نظر می‌رسید که هنوز هم کامپیوتر برای اینکه بطور جدی در دفاتر رایج بشود، راه نسبتاً طولانی در پیش دارد. در یک طرف همین نمایشگاه

بیش از ده شرکت انتشاراتی از جمله مؤسسات انتشاراتی وابسته به دانشگاهها کتب و نشریات جدید در زمینه‌ی معماری را جهت فروش عرضه کرده بودند. متأسفانه مجموعه‌ی کتابها و مجلات چندان چشمگیر نبود. در فرصت دیگری از کتابفروشی و موزه‌ی انجمن معماران کانادا در شهر مونترال دیدن کردم. برغم کوچک بودن کتابفروشی مجموعه‌ای کامل از تازه‌ترین کتابهای معماری و شهرسازی را یکجا در آن جمع آوری و به معماران عرضه می‌دارد. در کنار همین کتابفروشی موزه‌ای حاوی طرح‌ها و نقشه‌های شهر مونترال و غیره وجود دارد. از جمله وقایع قابل ذکر در حاشیه‌ی کنفرانس نمایش فیلمهای معماری بود که به موازات جلسات ادامه پیدا می‌کرد. فیلمها اکثراً به زبان اصلی نمایش داده می‌شدند. در مجموع ۲۰ فیلم به نمایش درآمد. در زمره‌ی موضوعات مهم فیلمها می‌توان از فیلمهایی از فرانسه در معرفی "فرانک لویدرایت" "ماريو بوتا"، "لوکوربوزیه"، "کاثودی"، "تادانو آندو" و "نگاهی به بریتانیا" را نام برد. زبان جلسات معمولاً فرانسه یا انگلیسی بود و مطالب جلسات فرعی

به طور همزمان حداقل به این دو زبان ترجمه و با کوشی‌های مخصوص قابل استفاده بود. علاوه بر این دو زبان مباحث جلسات عمومی به دو زبان دیگر نیز شامل آلمانی و اسپانیولی نیز ترجمه و پخش می‌شدند. در اوقات فراغت تورهایی جهت بازدید از مناطق مختلف شهر پیش بینی شده بود. هزینه‌ی این تورها حداقل ۲۵ دلار برای دو ساعت گردش بود که ما فقط توانستیم در یکی از آنها شرکت کرده و ضمن بازدید از نقاط دیدنی شهر از جمله استادیوم المپیک با تاریخچه شهر آشنا شویم. شهر مونترال در دامنه‌ی کوه واقع شده و تا لبه رودخانه در دشت کشیده می‌شود. در بخشهای مرتفع با حال و هوای کوهپایه، ویلاها و خانه‌های کران قیمت با تراکم نسبتاً پایین قرار گرفته‌اند. یک بافت سه، چهار طبقه بخش عمده‌ی شهر را پوشانده است. در بعضی از بخشها محلات و خیابانهایی با نام اقلیتهای ملی مختلف شناخته می‌شوند. مثلاً "یونانیها برای خود محله‌ای دارند و عربها در گوشه‌ی دیگری از شهر متمرکزند. در مرکز این مجموعه یک بافت شطرنجی وجود دارد که مجموعه‌ای از آسمانخراشها را در خود

دارالسلطنه : دارالسلطنه

دارالسیاده : دارالسیاده

دارالسیاسه : دارالسیاسه

دارالشفه : بیمارستان

دارالضرب : ضرابخانه

دارالضیافه : مهمانسرا

دارالضیف : مهمانسرا

دارالطبخ : آشپزخانه عمومی

دارالطلبه : دارالطلبه

دارالعباده : دارالعباده

دارالمجزه : نوان خانه

دارالعلم : مدرسه

دارالغرباء : دارالغرباء

دارالفنون : دانشسرا

دارالقراء : دارالقراء

دارالقرار : آرامگاه

دارالقرآن : دارالقرآن

دارالقمامه : دارالقمامه

دارالکتب : کتابخانه

دارالمجانین : دیوانه خانه

دارالمرضى : بیمارستان

دارالمساکین : نوان خانه

دارالمعلمین : دانشسرا

دارالمناظره : دارالمناظره

داربزین : دارآفرین

دارخانه : راهدارخانه

داروکده : داروخانه

دانشسرا : دانشسرا

دانشگاه : دانشگاه

دخمه : کورخانه

دخمه و مقبره کبرها : استودان

دربخانه : بارگاه

دربند : دربند

دربخانه : بارگاه

درگاه : بارگاه

درمانگاه : بیمارستان

درم سرای : ضرابخانه

دروازه : دروازه

دز : دز

دژغاله : حصار

دژ : دژ

دژغاله : حصار

دژهرج : بتخانه

دکان : دکان

دکانچه : دکانچه

دکانک : دکانچه

دکه : دکان

دلال خانه : بیت اللطف

دواخانه : داروخانه

دوستاخ : زندان

دوستاق : زندان

دوستاق خانه : زندان

دولاب : چرخاب

دولتخانه : دولتخانه

دیر : دیر

دیواربست : حصار

دیوارهای دفاعی : دیوارهای دفاعی

دیوان : دیوان

دیوانه خانه : دیوانه خانه

رها : آسیاب

رحی : آسیاب

رختشورخانه : رختشوی خانه

رختشوی خانه : رختشوی خانه

رستوران : رستوران

رصد خانه : رصد خانه

رصدگاه : "رصدخانه" و "راهدارخانه"

رصدکه : رصدخانه

ریاضتگاه : چله خانه

ز

زاغه : "زاغه" و "آغل" و "مسکن"

زاویه : زاویه

زایرسرا : زایرسرا

زرادخانه : سلاح خانه

زغاو : بیت اللطف

زندآن : زندان

زندآن خانه : زندان

زورخانه : زورخانه

زی : زی

زیارت جای : زیارتگاه

زیارت خانه : زیارتگاه

زیارتکه : زیارتگاه

زیج : رصدخانه

س

ساباط : "ساباط" و "کاروانسرا"

ساخو : پادگان

سایبان : ساباط

سبزه میدان : سبزه میدان

ر

راهدارخانه : "رباط" و "کاروانسرا"

ربح : مسکن

ستودان : استودان

ستورگاه : اصطبل

سجن : زندان

سرا : مسکن

سرای درم : ضرابخانه

سد : بند

سرا : مسکن

سرای کاروان : کاروانسرا

سربازخانه : پادگان

سرداب : سرداب

سردابه : سرداب

سردخانه : سردخانه

سفره خانه : سفره خانه

سقاچه : سقاوه

سقاخانه : سقاخانه

سقاله : اسکله

سقاوه : سقاوه

سراضرب : ضرابخانه

سرای سرور : میخانه

سقایه : سقاوه

سکه خانه : ضرابخانه

سل : سل

سلاح خانه : سلاح خانه

سلاح خانه : سلاح خانه

سلخ : سلاح خانه

سنگاب : سنگاب

سنگابه : سنگاب

سنگ نشان : میل

سنگ فرسنگ : میل

سور : حصار

سوق : بازار

سیاه چادر : مسکن

سیپک : چرخاب

سیرگاه : مملى

سیلو : سیلو

ش

شبادان : شوادون

شبقا : آغل

شب غاز : آغل

شعب گاه : آغل

شترخان : " شترخان " و " حظیره "

شترخانه : شترخان

شرابخانه : میخانه

شربت خانه : شربت خانه

شفاخانه : بیمارستان

شنکله : اصطبل

شوادون : شوادون

شوغا : آغل

شوغاز : آغل

شوگاه : " آغل " و " حظیره "

شولیده : اصطبل

شهبندرخانه : راهدارخانه

شهر بند : حصار

شهرپناه : حصار

شیرخوارگاه : شیرخوارگاه

شیره خانه : " میخانه " و

" شیرکشی خانه "

شیرک خانه : شیرکشی خانه

شیره کش خانه : شیرکشی خانه

ص

صدقه خانه : صدقه خانه

صفه : صفه

صنم خانه : صنم خانه

صومعه : صومعه

ض

ضرابخانه : ضرابخانه

ط

طاحون : آسیاب

طاحونه : آسیاب

طحانه : آسیاب

طویله : اصطبل

طویله شتر : شترخان

طهارت جای : طهارت خانه

طهارت خانه : طهارت خانه

ع

عبادتخانه : عبادتخانه

عبادتگاه : عبادتخانه

عمارخانه : عمارخانه

عیدگاه : مملى

غ

غسالخانه : غسالخانه

غسل خانه : حمام



نارقالن : پارقالن

فاحشه خانه : بیت اللطف

لشوت خانه : لشوت خانه

فراش خانه : فراش خانه

فراوشخانه : فراوشخانه

فهاز : بتخانه

فرزه : پخشاب

فصل : فصل

فستان : بتخانه

فندق : مهمانسرا

فندق : مهمانسرا



قبر : آرامگاه

قبرستان : قبرستان

قبرستان گبرها : استودان

قبة : بارگاه

قدم جای : قدم گاه

قدم گاه : قدم گاه

قرار : آرامگاه

قرار گاه : آرامگاه

قراولخانه : پاسگاه

قصر : قصر

قلعت : دژ

قلعه : دژ

قلندرخانه : قلندرخانه

قنات : قنات

قندز : کهندژ

قندوز : کهندژ

قنسل خانه : قنسل خانه

قنطره : پل

قورخانه : سلاح خانه

قوشخانه : کبوتر خوان

قهندز : کهندژ

قیدخانه : زندان

قهوه خانه : قهوه خانه

قیصریه : قیصریه



کاخ : قصر

کاربات : کاروانسرا

کارخانه : کارخانه

کارگاه های تولیدی : کارخانه

کاروانسرا : کاروانسرا

کاروانگاه : کاروانسرا

کاروانگه : کاروانسرا

کاریز : قنات

کالانبار : انبارهای عمومی

کاسال های آب : کاسال های آب

گاه ریز : قنات

کبوترخان : کبوترخوان

کبوترخانه : کبوتر خوان

کبوترخوان : کبوتر خوان

کپر : مسکن

کتابخانه : کتابخانه

کشتارگاه : سلاح خانه

کشیک خانه : پاسگاه

کفترخان : کبوترخوان

کلات : کلات

کلاته : کلات

کلاه فرنگی : کلاه فرنگی

کلیسا : کلیسا

کلیسه : کلیسا

کلیسیا : کلیسا

کمراه : آغل

کنده : " خندق " و " آغل "

کنسل خانه : قنسل خانه

کنسولگری : قنسل خانه

کنشت : آتشکده

کنیسه : کنیسه

کنیف : " حظیره " و " طهارت جای "

کوت : دژ

کوچه : کوچه

کوشک : قصر

کومه : مسکن

کویچه : کوچه

کهریز : قنات

کوی : کوی

کوی های دانشگاهی : کوی های دانشگاهی

کهندز : کهندژ

کهندژ : کهندژ

کهنه دژ : کهندژ

کیوسک : دارآفرین



کازرخانه : رختشوی خانه

کازرگاه : رختشوی خانه

کردآمدنگاه : انجن

کرمابه : حمام



گذر : گذر

گذرگاه : گذر

کردشگاه : تفرجگاه

کرمان : حمام

کرمانه : حمام

کرم خانه : " کرم خانه " و " حمام "

کلستان : " باغ " و " خارخانه "

کلخانه : کلخانه

کمرک : راهدارخانه

کمرک خانه : راهدارخانه

کنج خانه : خزانه

کود : یخچال

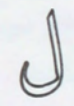
کور : آرامگاه

کورخانه : دخمه

کورخانه ترسایان : استودان

کورستان : قبرستان

کوشه : زاویه



لست : پخشاب

لشکر جای : لشکرگاه

لشکرگاه : لشکرگاه

لشکرکه : لشکرگاه

له : پخشاب

لنکر : لنکر

لنکرخانه : لنکر

لنکرکه : اسکله

لولیخانه : بیت اللطف

مژکت : مسجد

مسافرخانه : مهمانسرا

مستراح : طهارت خانه

مستشفى : بیمارستان

مسجد : مسجد

مسکن : مسکن

مشاهد : مشاهد

مشتی : مشت

معلی : معلی

معلی : معلی

مصنع : آب انبار

مصنعه : آب انبار

مصیف : مصیف

مضجع : آرامگاه

مغیف : مهمانسرا

مطحنه : آسیاب

معبد : معبد

معبر : پل

معبر : معبر

معبربحر : بندر

معسکر : لشکرگاه

معطن : معطن

معقل : حصار

مفازه : دکان

مفاک : چاه

مفسل : غسالخانه

مقبره : آرامگاه

مقسم : پخشاب

مکتب خانه : مکتب خانه

مکتب گاه : مکتب خانه

ملعب : ورزشگاه

مناخ : معطن

مارسان : بیمارستان

مارستان : بیمارستان

مانستار : مانستار

مبال : طهارت خانه

مبرز : طهارت خانه

مبرک : معطن

متحف : موزه

مجمع المصنف : دیوان

محبس : زندان

محبس مجانین : دیوانه خانه

محلل : انجمن

مخزن : خزانه

مخزن کتاب : کتابخانه

مدرسه : مدرسه

مدرسه علمیه : مدرسه علمیه

مدفن : آرامگاه

مربض : آغل

مربط : اصطبل

مربع : مربع

مربعه : چهارسوق

مرحاض : طهارت خانه

مرده شوخانه : غسالخانه

مرده شورخانه : غسالخانه

مرده شوی خانه : غسالخانه

مرصد : " رصدخانه " و " راهدارخانه "

مرفه : اسکله

مرقد : آرامگاه

مریضخانه : بیمارستان

مزار : زیارتگاه

مژکت : مسجد



نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی

جهت اشتراک سالیانه
" صفه " لطفاً مبلغ ۲۴۰۰ ریال
به حساب ۹۰۰۲۰ بانک ملی شعبه
دانشگاه شهید بهشتی - اوین واریز
و رسید بانکی مربوطه را به همراه
برکه تکمیل شده زیر به صندوق پستی
۱۹۸۳۵/۳۴۶ ارسال نمائید .

در صورت تمایل به دریافت تک
شماره های " صفه " برای هر شماره
مبلغ ۶۰۰ ریال به حساب فوق
الذکر واریز و رسید بانکی مربوطه
را همراه با درخواست خود به
دفتر نشریه ارسال فرمائید .



واحد مسکونی : مسکن
واشودگاه : میدان
واکار : بازار
ورزشگاه : ورزشگاه



هیکل : بتخانه



یام : چاپارخانه
یامخانه : چاپارخانه
یخچاثون : یخچال
یخچال : یخچال
یخچاوان : یخچال
یخبع : چشمه
یورت : مسکن
یورد : مسکن
یورگاه : مسکن



منزل : مسکن

منزلگاه مسافر : مهمانسرا

موزه : موزه

مولوی خانه : مولوی خانه

مهمانخانه : مهمانسرا

مهمانسرا : مهمانسرا

میخانه : میخانه

میخ کده : ضرابخانه

میدان : میدان

میدانچه : میدانچه

میدانک : میدانچه

میکده : میخانه

میل : میل

میهمان خانه : مهمانسرا

میهمان سرا : مهمانسرا



ناوس : استودان

ناجرمک : بتخانه

ناووس : استودان

نقارخانه : نقاره خانه

نقاره خانه : نقاره خانه

نقب : نقب

نقب خانه : نقب خانه

نگارخانه : نگارخانه

نمازخانه : " مسجد " و " نمازخانه "

نمازگاه : معلى

نمایش خانه : نمایش خانه

نمایشگاه : نمایش خانه

نوان خانه : نوان خانه

نهر : جوی

و شما



نام :
نشانی کامل :
شماره رسید بانکی :
تاریخ :

مفه

نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی
برگ درخواست اشتراک سالیانه از شماره سال

شغل / تحصیلات :

تلفن

امضاء :

این ستون از شماره آینده منعکس کننده آراء و نظریات خوانندگان در رابطه با "مفه" و مباحث مطرح شده در آن خواهد بود .
نظریات خود را بطور خلاصه با ذکر مشخصات کامل و میزان تحصیلات خود برای ما ارسال نمایید و ما را در ارتقاء کمی و کیفی "مفه" یاریگر باشید .



آینه خبرها



• به یاد استاد

پاشیزی که گذشت با ضایعه‌ای دیگر برای جامعه علمی کشور همراه بود. قلب استاد شاملو، معلم مدرسه و دانشگاه پس از ۶۵ سال تپش برای دانش و جویندگان آن در این سرزمین، آرام گرفت. مهندس ولی الله شاملو در سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۲۶ پس از اخذ درجه لیسانس، کار تدریس را در دبیرستان جدید التاسیس پیرنیا در خیابان مولوی آغاز نمود. در سال ۱۳۳۵ ازدواج کرد و حاصل این پیوند دو فرزند پسر بود که بعدها به اخذ درجه دکترا در

رشته‌های فیزیک و پزشکی نائل شدند. بعد از دبیرستان پیرنیا بمدت ۷ سال در دبیرستان البرز به تدریس ادامه داد و سپس برای یکسال و نیم به آلمان رفت و پس از اخذ درجه فوق لیسانس در مکانیک و بازگشت به کشور در گروه فرهنگی هدف، مشغول به کار شد. از میان جمع کثیر دانش آموزانی که مهندس شاملو در این سه دوره به تعلیمشان همت گماشت، بسیاری بعدها منشاء خدمات ارزشمندی در ایران و عرصه بین المللی شدند. روش موفق تدریس مهندس شاملو در

طول سالهای تدریس ریاضی و هندسه در دبیرستان، موجب گردید که با بازگشایی دانشگاهها در سال ۱۳۴۲ ابتدا به همکاری در دانشگاه تهران و سپس در دانشگاههای صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، شهید بهشتی و آزاد اسلامی دعوت شود که این همکاری تا پایان عمر استاد ادامه داشت. استاد در محیط درس سر زنده بود و دلسوز. این دلسوزی در برخورد وی با دانشجویان - حتی آنگاه که بر این فرزندانش سخت می‌گرفت - بخوبی مشهود بود. از این رو بر این باوریم که آنچه در هشتم آذر ماه ۱۳۷۰ اتفاق افتاد تنها پایان حیات ظاهری او است و استاد حیات روحانی خود را در مدرسه و دانشگاه و هر آنجا که دانش و اهل دانش کرد هم آیند ادامه خواهد داد.

○ کنفرانس بین‌المللی زلزله و بلایای طبیعی

دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ اقدام به برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی تحت عنوان " بلایای طبیعی " خواهد کرد . هدف این کنفرانس که با همکاری مؤسسات علمی و فرهنگی کشور و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و همچنین مراکز بین‌المللی تحقیقات و آموزش برگزار خواهد شد بررسی زلزله و سایر بلایای طبیعی در مناطق شهری خواهد بود .

مباحث اصلی مطرح شده در این کنفرانس عبارت خواهند بود :

- ۱- برآورد آسیب پذیری تهران و شهرهای بزرگ در مقابل زلزله و سایر بلایای طبیعی .
- ۲- پیشگیری و کاهش آثار مخرب زلزله .
- ۳- بررسی تأثیرات اقتصادی ، اجتماعی بلایای طبیعی .
- ۴- بررسی امکانات برای آموزشهای همگانی ، ایجاد و حفظ حساسیت لازم در برابر مقابله با بلایای طبیعی از سوی مردم و نهادها .
- ۵- تدوین ضوابط اجرایی در پیشگیری و کاهش خسارات مالی و جانی ناشی از بلایای طبیعی .
- ۶- تدوین برنامه‌های و طرحهای اجرایی جهت مقابله با زلزله .

۷- تدوین برنامه و طرحهای اجرایی جهت دفع سیلاب و آبهای سطحی .

○ نمایشگاه بین‌المللی معماری دهه ۸۰-۹۰

نمایشگاه بین‌المللی معماری دهه ۸۰-۹۰ با شرکت ۴۳ دانشکده معماری از ۲۹ کشور جهان در باغ بینال شهر ونیز ایتالیا و با همکاری بنیاد ماسری ، وابسته به انجمن بین‌المللی معماری ونیز از هشتم سپتامبر لغایت ششم اکتبر ۱۹۹۱ برگزار گردید . در طی این نمایشگاه آثار ارزنده دانشجویان این دانشکده‌ها به نمایش گذاشته شد . همچنین نتایج چندین مسابقه معماری از جمله مسابقه دروازه شهر ونیز در طول این نمایشگاه اعلام و در سالن کشور ایتالیا در معرض دید بازدید کنندگان قرار گرفت .

○ دهمین مسابقه ریبا ۱۹۹۲

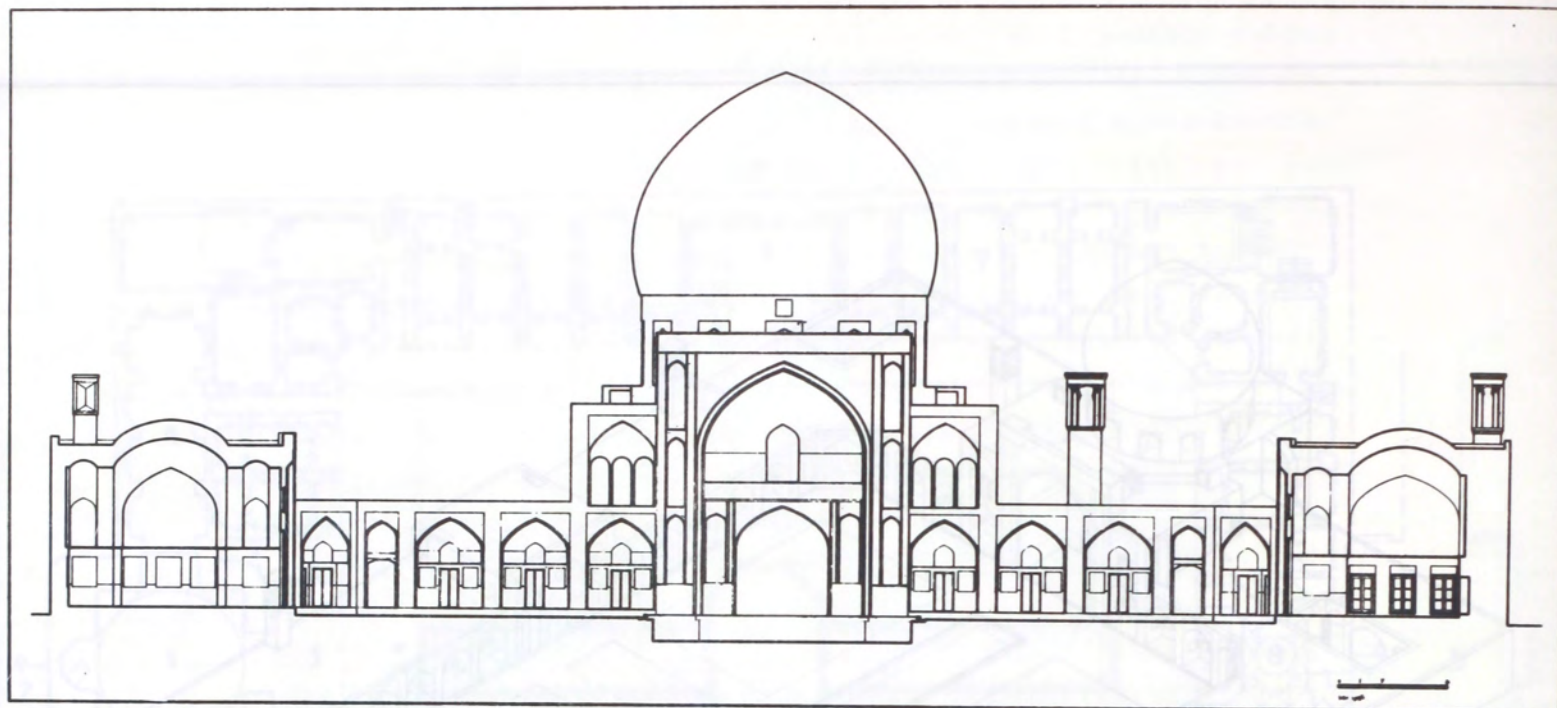
انجمن سلطنتی معماران بریتانیا (ریبا) با همکاری آکادمی سلطنتی هنر و دهمین مسابقه بین‌المللی دانشجویان را برای سال ۱۹۹۲ با طرح مسئله اتصال عناصر

الحاقی به اجزای معماری و شهر اعلام کرد . نتایج این مسابقه در روز ۳۱ ماه مه ۱۹۹۲ همراه با برگزاری نمایشگاهی از آثار برتر در محل آکادمی سلطنتی هنر اعلام و در ویژه نامه‌ای منتشر خواهد شد .

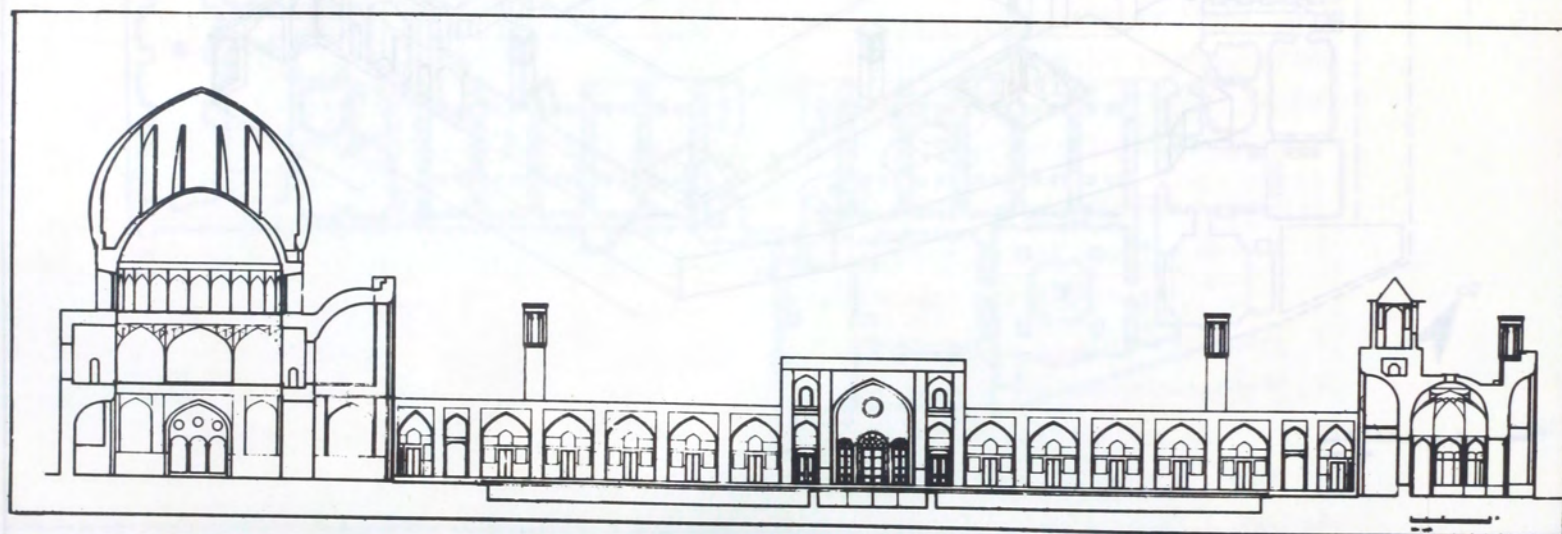
○ بیست و یکمین مسابقه بین‌المللی طراحی دانشجویی

انجمن ملی آموزش معماری آمریکا بیست و یکمین مسابقه بین‌المللی طراحی دانشجویی خود را با طرح مسئله تکمیل کلیسای ساگرادا فامیلیا اثر کنتونیو گائودی در شهر بارسلونا ، اسپانیا برگزار خواهد کرد .

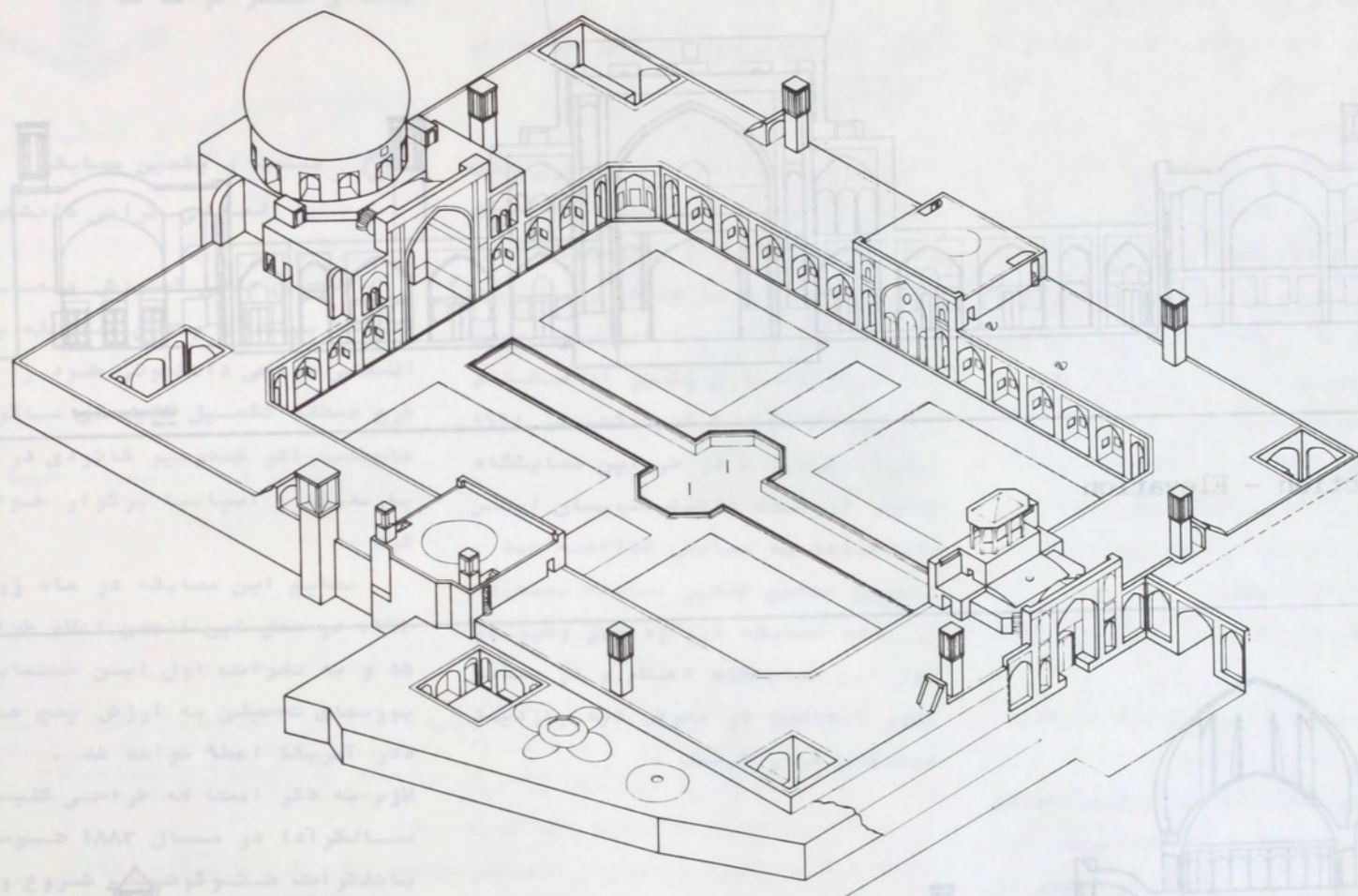
نتایج این مسابقه در ماه ژوئن ۱۹۹۲ در محل این انجمن اعلام خواهد شد و به نفع اول این مسابقه بورسهای تحصیلی به ارزش پنج هزار دلار آمریکا اعطای خواهد شد . لازم به ذکر است که طراحی کلیسای ساگرادا در سال ۱۸۸۲ توسط با تفکرات نئوکلاسیک شروع و از ۱۸۸۳ توسط آنتونیو گائودی با تأثیر پذیری از مکتب آرت نوو ادامه یافت ولی مرگ گائودی در سال ۱۹۲۶ از یکسو و جنگهای داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۳۹) از سوی دیگر منجر به نیمه تمام ماندن کار این بنای عظیم گردید .



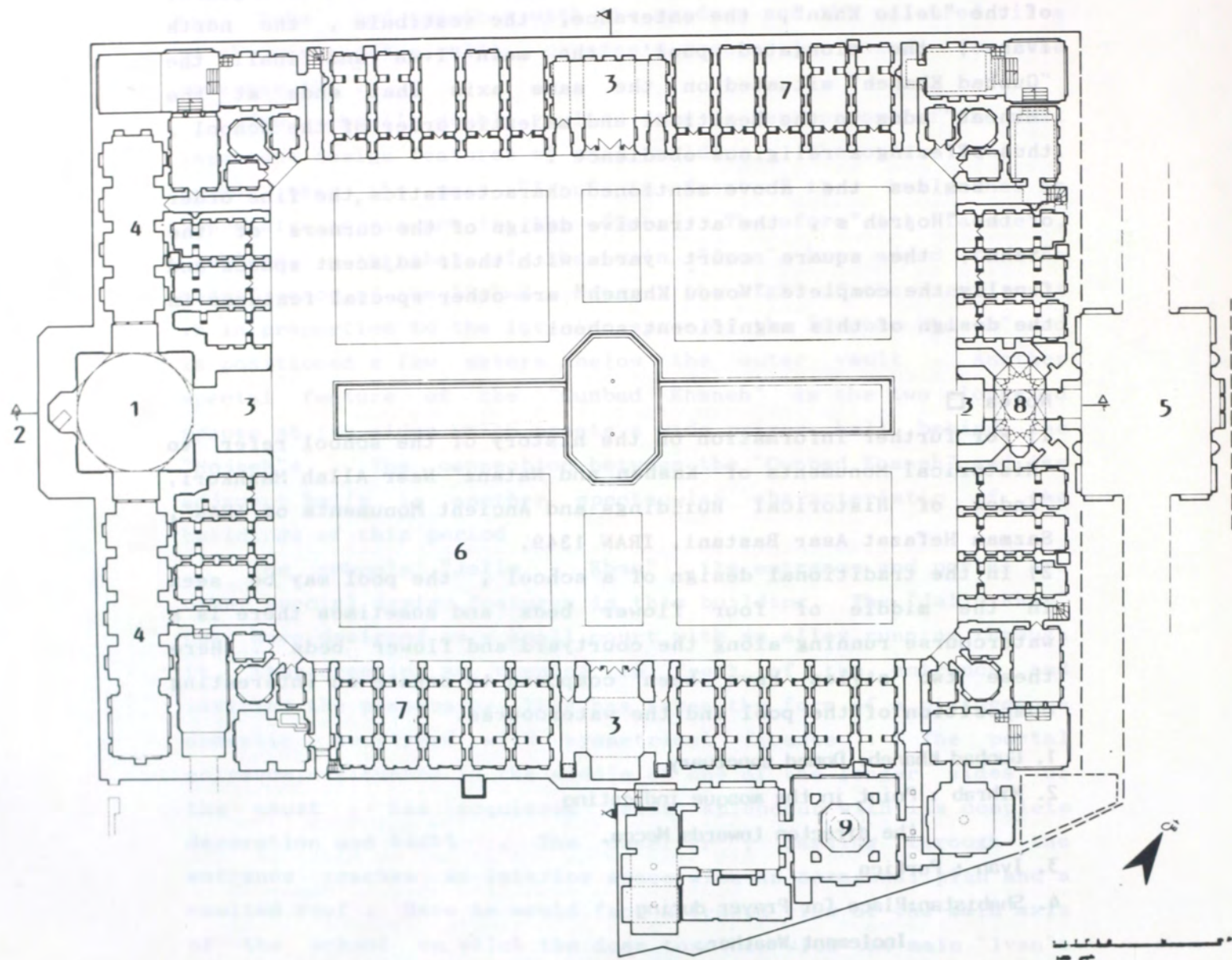
□ Section - Elevation



□ Section - Elevation



□ Isometric Projection



□ Plan

sides of the "Ivan" he chooses . This change in the direction of approach or the fact that it is impossible to pass through the framed scene presents a number of thought values. The arrangement of the "Jello Khan", the enterance, the vestibule , the north Ivan , the elongated pool', the main "Ivan" and finally the "Gunbad Khaneh" situated on the same axis that ends at the "Mihrab" adds to the beautiful and majestic order of the school , thus offering a religious obedience .

Besides the above mentioned characteristics, the fine order of the "Hojreh"s , the attractive design of the corners of the "Sahn", the square court yards with their adjacent spaces and finally the complete "Vosou Khaneh" are other special features in the design of this magnificent school .

Notes □

1) For further information on the history of the school refer to "Historical Monuments of Kashan and Natanz" Nasr Allah Mashkori, "Index of Historical Buildings and Ancient Monuments of IRAN", Sazman Hefazat Asar Bastani, IRAN 1349.

2) In the traditional design of a school , the pool may be seen in the middle of four flower beds and sometimes there is a watercourse running along the courtyard and flower beds . Here these two styles have been composed to create an interesting composition of the pool and the watercourse.

1. Gunbad Khaneh: Domed sanctuary

2. Mihrab : Point in the mosque indicating
the directon towards Mecca.

3. Ivan : Portico

4. Shabistan: Place for Prayer during
Inclement Weather.

5. Jelo - Khan : A large set back

6. Sahn : Courtyard

7. Hojreh : Resting chamber

8. Moazeneh : Place for calling to prayer

9. Vosou Khaneh : Place for abulition

8 created. The special feature of this "Sahn" is its design. The elongated pool, a composition of a typical pool and a traditional watercourse seen in the traditional school courtyards runs along the "Sahn" and together with the gardens and the coloured tiles of the surrounding walls, creates a spectacular scene for the observer (2) .

The school's double vaulted dome is perhaps one of the most important design features of this building . The outer vault , higher than the main "Ivan" in front of it , has gained an impressive appearance in the "Sahn". Therefore its facade , combined with that of the main "Ivan" has added to the magnificence of the "Sahn" . However the height of the inner vault is in proportion to the interior space of the "Gunbad Khaneh" and is positioned a few meters below the outer vault . Another special feature of the "Gunbad Khaneh" is the two elongated spaces at its sides which create a wide prayer hall behind the "Hojreh"s . The connection between the "Gunbad Khaneh" and its adjacent halls is another spectacular characteristic of the buildings of this period .

The schools "Jello - Khan" , its entrance and portal are other special design features in this building. The "Jello-Khan" has been designed as a small court with an alley running through it, thus creating an opening in front of the entrance and inviting the passers-by. This has taken the form of a picturesque domestic courtyard with symmetrical facades . The portal entrance, situated in the middle of one of the longer sides of the court , has acquired great splendour with its complete decoration and height . The observer , passing through the entrance reaches an interior space with an octagonal plan and a vaulted roof . Here he would face a framed view of the main axis of the school on which the dome together with the main "Ivan"s and their reflection in the pool are clearly visible . This scene may reflect the main objective of the architect . After glancing at this spectacular scene the observer changes his direction of approach and enters the "sahn" from any of the two

THE IMAM KHOMEINI SCHOOL □

The Imam Khomeini school is situated by the Kashan bazaar , where a branching alley leads to its "Jello Khan" . According to historical records the construction of the building began in 1221 H.G. (1799 A.D.) and was completed in 1229 H.G. (1807 A.D.) . The foundation stone of the schools "Ivan" dates back to 1225 H.G. (1803 A.D.) whereas the date on the plaque over the school entrance and "Jello Khan" is 1226 H.G. (1804 A.D.) and the dates on the school Mehrab are 1226 and 1229 H.G. (1804-1807 A.D.) The foundation stone also names the architect of this magnificent building as "Mohammad Safieh" and the calligraphers are known to be " Mohammad - Taghie Ibn Hossein and Ibrahim Ibn Mohammad Reza" (1).

The highly relevant feature in the architectural style of the school is its complete order which has combined the totality and every small detail of the building ; specifying the position and arrangement of each space. The Imam Khomeini school consists of a large and pleasant "Sahn" , four "Ivan"s , a tall "Gunbad Khaneh" with side "Shabistan"s , a magnificent "Jello Khan", an elaborate entrance and a number of "Hojreh"s . These fine spaces arranged in a well planned and well thought out order , have been decorated by beautiful ceramics and magnificent stucco work , creating an ever lasting masterpiece .

The courtyard of the school , as stated , consists of four "Ivans" . Its south "Ivan" with its back to the "Ghebleh" is situated in front of the "Gunbad Khaneh" and with its particular beauty rises above the remaining "Ivan"s . The opposite "Ivan" , behind the entrance , has less depth and is not as wide as the others , however it possesses a beautiful wooden "Moazeneh" . Although the east and west "Ivan"s have similar facades , their interiors are totally different . The "Hojreh"s encircling the "Sahn" are built in one story and only those next to the "Ivan"s have been raised to two, so as to complete the facade and the totality of the building . As a result a beautiful and spacious "Sahn" decorated with magnificent coloured tiles , has been

An Architectural Heritage :

The Imam Khomeini School (Madrese Soltani)

Kambiz Hadj - Ghasemy , M.Arch.

Farzad Hashemi

Mehrdad Bidhendie

Mahmood Arzhmand

Coming up under this title in every coming issue of "SOFFEH" is the result of a study done by students in the course on the Introduction to Islamic Art & Architecture . An exercise of this course is a complete documentation of a building from the Islamic period in Iranian architecture . The purpose is to bring the students into direct contact with buildings from the past and to draw their attention to the space and details of the building . In other words , the task is to make the students acquainted with traditional architecture.

The selection of a building , to be presented in a journal , has to have two major criteria . First, the building must be of high architectural value and second, very little must have been written about it in other articles or books . The selected building for this issue has both of the above mentioned conditions . The "Imam Khomeini" school (Madrese Soltani) which is presumed to have been constructed in the reign of "Fath Ali Shah Qajar" (1217-1254 H.G.) (1793-1834 A.D.) , is in the city of Kashan . It is believed that this building is one of the most complete examples of religious schools built in that period .

The documentation of this building has been fulfilled by Mahmood Arzhmand , Farzad Hashemi & Mehrdad Bidhendie in the academic year of 1364 (1985).

□ An Index of Buildings with Public Functions in the Traditional Urban Texture of IRAN

Bahram Ghadiri, M.A.

Most Public buildings in the historical , cultural and traditional urban texture of our country have gradually vanished so much as that even their names have been forgotten . All that has survived includes mosques, "Hoseinieh"s, "Hamam" (Public baths), "Takaya"s , reservoirs and carevansarias, among others . Even to the students of architecture , the names of quite a number of such buildings remain unknown as if they had never existed .

The primary goal of this article is at least to provide a list of the names of buildings with public functions in the traditional urban texture. Apart from the fact that this article registers cultural monuments and landmarks , it offers a relatively complete index of such buildings and further-more provides a useful reference for students and others interested in studying ancient texts, historical documents, deeds of endowment, etc .

Needless to say , that even a quick glance through this index will directly show that such buildings have two distinct aspects in addition to their public functions in the line of answering to the immediate needs of the inhabitants of the residential complexes . These are :

1. Provision of free services to the impoverished.
2. Provision of free services to travellers (Ibna-Sabil).

Unfortunately today , residential complexes are lacking tremendously in these two aspects . An investigation into the causes of this, calls for a separate paper .

□ News

□ The Estimation of the Speed of Wind in Urban Textures

Mansoureh Tahbaz M.Arch.

One of the important factors in architectural design is harmonizing it with the climatical features of the site. Of these features, wind is an important factor that should be considered qualitatively in the process of urban design.

Unfortunately the facts and figures given to the architect are rather basic and analyzing this information in-order to reach certain design regulations requires experties, often beyond the scope of architects and city planners. In view of this, any effort to ease the architectural analysis of the climatical information is useful, bridging the gap between architecture and climatical studies. This could facilitate practical application of climatical information.

The present article may be taken as a first step towards this objective.

□ An Architectural Heritage :

The Imam Khomeini School (Madrese Soltani)

Kambiz Hadj Ghasemy, M.Arch.

Farzad Hashemi

Mehrdad Bidhendie

Mahmood Arzhmand

A complete translation of the article is presented.

□ Student's Work :
How I Design

Dr. Mahmood Razjouyan

Masoud Tehranchi

"SOFFEH", under this title, intends to create an appropriate space to present valuable projects and literary work of students. This opportunity gives the journal the chance to present an article by Mr. Masoud Tehranchi as our first attempt in this direction. This article has been completed with an Introduction by Dr. Mahmood Razjouyan.

	Due to the above descriptions this article is presented with regards to the important role of regional planning in the social and economical development .
□ Symbolic Cities A Translation by : Dr. Ali Akbar Khan-Mohammadi	A translation and summery of the Introduction of " Ispahan Image du Paradis" by Henri Sterlin.
□ Reforming Design Education A Translation by Ladan Etezadi , M.Arch.	A translation of the Article " Reforming Design Education " by Wayland Bowser .
□ The Effects of Shadings on Obtaining Solar Energy Through Windows Dr. Shahram Pour-Deihimi	In semi-equatorial regions , obtaining solar energy through the windows in winter is generally a practical method. However , during the summer when cooling systems are needed , solar radiation into the building through windows is a source of discomfort. In this article the effects of two modes of shading , overhangs and verandas , on the sun's direct and reflected radiation are studied . Here three types of windows in different shapes but with equal areas are used. It is worth mentioning that windows are indispensable for designers for the purpose of visual communication with outdoor spaces and making use of daylight . Therefore , to discuss the various applications of windows in the designing process, requires a separate study which is hoped to be undertaken in the near future.

☐ A Theory in the
Conception of Urban
Planning and Design.

Dr. Seied Mohsen Habibi

The social and economical changes of IRAN , in the past decade , have created a new form for the city which is not in line with its historical transformation . The new relationship , created by this new form , has resulted in the contradiction of traditional and modern relations . As a result , modern urban design , with its new concepts, has not only failed to answer this confrontation and its relative problems, but also intensified the difficulties.

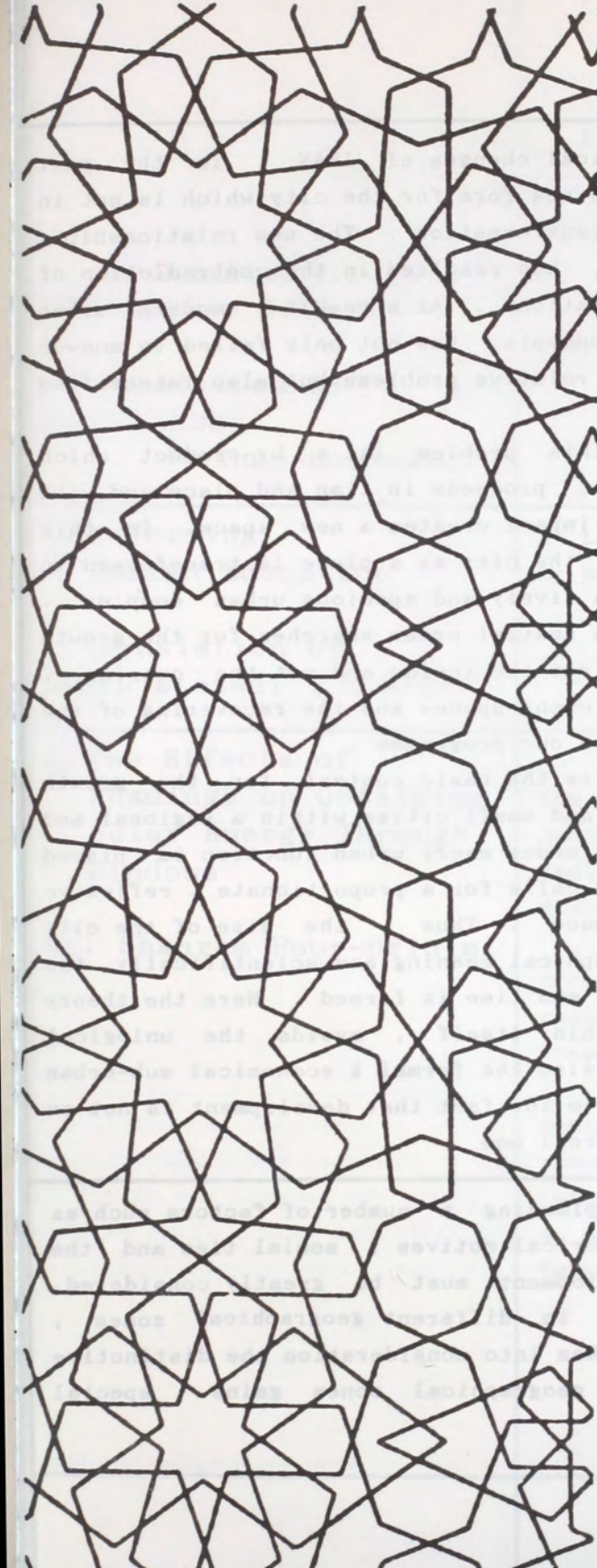
The new approach to this problem is a by-product which begins in urban philosophy , proceeds in time and place and with a scientific and practical impact creates a new space. In this process , the concept of the city as a place is transformed to city as time , creating a lively and spacious urban complex . What is presented as a new spatial order searches for the growth and expansion of the city from the inside and not the outside . This maximum use of the present spaces and the recovering of the lost ones is a key factor in our programme .

The new spatial order is the basic context for the growth and expansion of large and small cities within a regional and logical hierarchy. In this order every urban function is placed within its actual scale and calls for a proportionate , reflexive and convertible urban space . Thus , the size of the city reacquires its true philosophical meaning and scientifically the relationship between place and time is formed . Here the theory of urban expansion , within itself , avoids the unlogical expansion of the city and also the formal & economical sub-urban habitation . This applies to the fact that development is not an external affect but an internal one .

☐ Methods of Regional
Planning

Mehdi Sheibani , M.Arch.

In the process of planning a number of factors such as culture , political & historical motives , social ties and the level of economical development must be greatly considered. As these factors take place in different geographical zones , regional planning which takes into consideration the distinctive characteristics of these geographical zones gains special importance .



SOFFEH

Architectural Science & Research

School of Architecture & Urban Planning

Shahid Beheshti University

Evin - Tehran

P.O.Box : 19835-346

Vol I , No. 3-4 , February 1992

Director : Dr. Akbar Zargar

Editor - in - Chief : Dr. Mahmood Razjouyan

Executive editor : Bahram Ghadiri , M.A.

**English Section : Bahman Adibzadeh , M. Arch.- Amin Sadeghi -
Ilona Haghshenas**

Graphic design : Farzad Azimi - Masood Sharafi

Public Relations : Zand Harirchi

Subscription : Soolmaz Husseinoun

Type - Setting : Mojgan Rostami - Maryam Khorasani